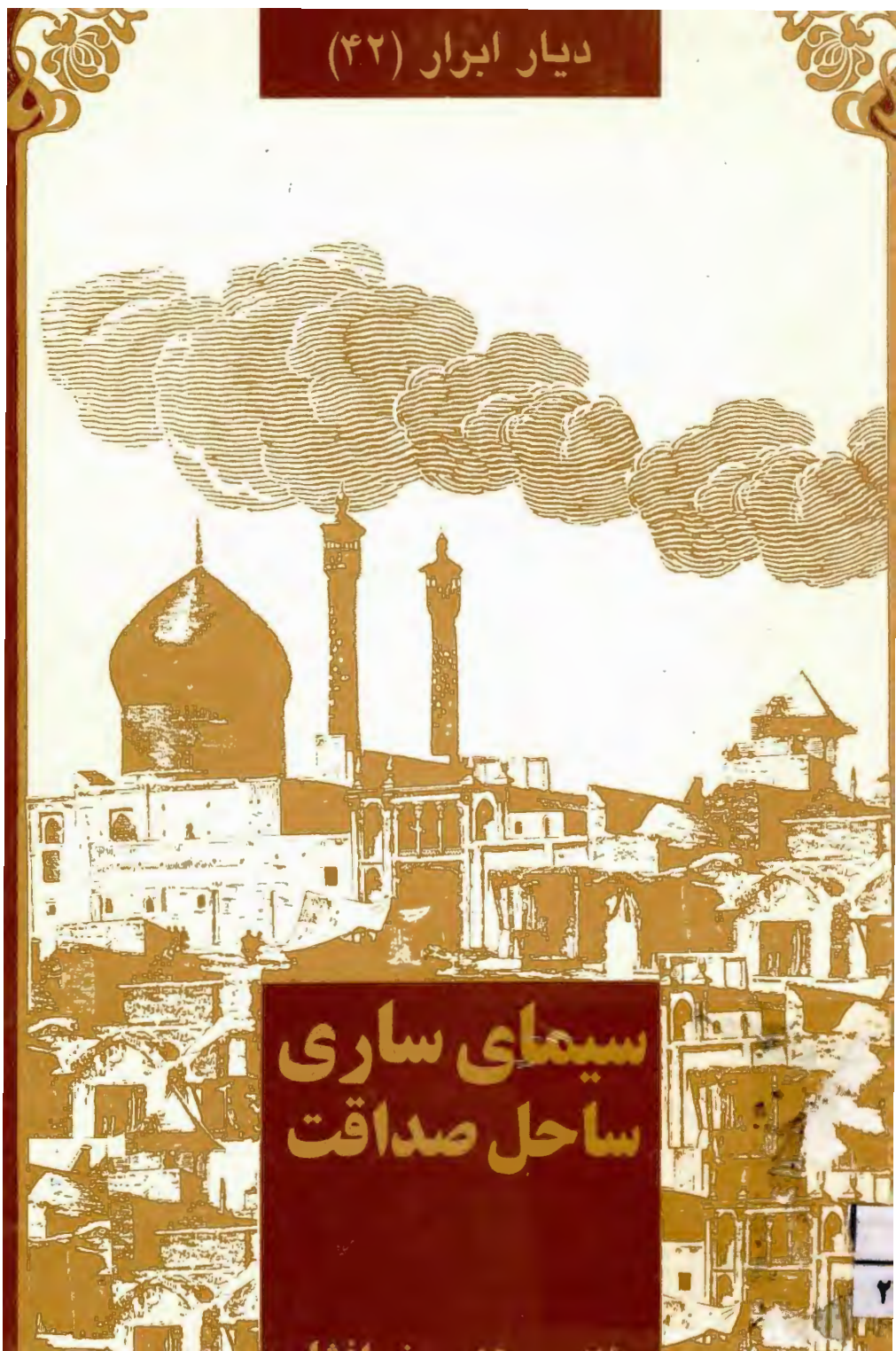


دیوار ابرار (۴۲)





مرکز بخش، فروشگاه مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

میدان فلسطین: ۸۹۳۸۴۳

قیمت: ۱۸۰۰ ریال

دیوار ابرار
سیمای ساری - ساحل صداقت
مرتضی بذرافشان



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶۹۹۲۱

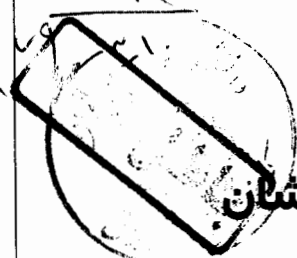
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیار ابرار

۲۲

سپه‌های ساری

(ساحل صداقت) ۱۰۴۹ م



مؤلف:
مرتضی بذرافشان



معاونت پژوهشی

۴۹۸



سیمای ساری (ساحل صداقت)

تألیف: مرتضی بذرافشان

ناشر: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: زمستان ۱۳۷۴

چاپ و صحافی: شمشاد

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۱۱

فصل اول: جغرافیا	۱۳
سرزمین سبز - موقعیت استان - یادگار تاریخی - مجموعه جهان نما - رودخانه ها - ارتفاعات.	
فصل دوم: طلوع	۲۰
طلوع نور - گام گل - غروب ظلمت.	
فصل سوم: نسیم بهشتی	۲۶
تلخی فراق - طلایه دار علوی - سنگربانان تشیع - نسیم بیداری.	
فصل چهارم: برگ پیروزی	۳۳
راست قامتان - باطنیه - پیشگامان فریضه جمعه - مدیحه سرایی - یورش مغول - آشوب امیر تیمور.	
فصل پنجم: بیداری	۴۴
فتنه باب - بیداری ملت - هم آواز - وکالت مجلس - جنگلیان - نهضت	

ملی مازندران - حوادث - کشف حجاب.

فصل ششم: لبخند پیروزی ۵۹

گل بوته عشق - اوج قیام - دریادلان بسیجی - رهپویان عشق.

فصل هفتم: امامزادگان ۶۸

سرمایه‌های ایمان - امامزاده یحیی - سید زین العابدین - امامزاده عباس - امامزاده عبدالصالح - میر سر روضه - ملا مجدالدین.

فصل هشتم: اندیشه سبز ۷۶

اندیشه سبز - ابن شهر آشوب - شیخ احمد طبرسی - شیخ طبرسی - ملا صالح مازندرانی - شریف العلماء - معاصران - شاعران.

فصل نهم: کانون دین ۹۱

مسجد - مسجد جامع - دیگر مساجد - حسینیه‌ها.

فصل دهم: منادیان رهایی ۹۷

حوزه - مدرسه سلیمان خان - مدرسه امامیه - مدرسه مصطفی خان - مدرسه سعادتیه - مدرسه عصمتیه - منادیان رهایی - شهید قاسمی - شهیدی دیگر - دیگر شهیدان.

فصل یازدهم: فرهنگ ۱۰۷

زبان - باورها - ضرب المثل‌ها - هفته‌نامه - مراکز علمی، فرهنگی - کتابخانه‌ها - مراسم عزاداری - سفره نذر - تاریخ وقایع.

فهرست منابع ۱۱۸

پیشگفتار

محو پیشینه تاریخی و بی‌رنگ جلوه دادن ارزشهای اخلاقی و انسانی یک ملت را می‌توان نخستین گام در مسیر القای باورها و فرهنگ بیگانه دانست. استکبار که چتر آسمانی ایمان و توحید را از بزرگترین مانع در مسیر غارت و اسارت ملتها می‌داند، تلاش فراوان دارد تا مردم را از فکر و فرهنگ اسلامی جدا سازد.

گاه، الفبای عربی و فارسی را به جرم هماهنگی و هم‌رنگی با قرآن و حدیث به تحقیر و تمسخر می‌گیرد.

گاه با سوار نظام و پیاده نظام تبلیغات به جنگ چادر و حجاب و لباس مسلمانی بر می‌خیزد.

گاه تاریخ شاهنشاهی و میلادی را به جای تاریخ هجری اسلامی با زور و تزویر تحمیل می‌کند.

گاه تاریخ اسلام و پیامبران را نادیده می‌گیرد و شجره‌نامه‌ای مبهم و احياناً قلابی برای پیوند دادن مردم با پهلوانان خیالی و شاهان ساسانی و هخامنشی «جعل» می‌کند.

گاه به بهانه پاکسازی زبان از واژه‌های بیگانه کلمات آشنا و هم خون عربی را از فرهنگ مردم بیرون می‌ریزد و برای جبران کمبودها دست‌گدایی به سوی واژه‌نامه‌های روزگار جاهلیت قدیم «قبل از اسلام» و جاهلیت مدرن و مسلح غرب دراز می‌کند.

و در این میان آنچه سخت از آن می‌گریزد سابقهٔ مکتبی و دینی شهر و دیار مسلمین است.

اگر آثار باستانی را جستجو می‌کند پس مانده‌های روزگار شرک و جاهلیت را می‌جوید و اگر از ادبیات و فرهنگ عامه سخن می‌گوید ادبیات مبذل و بی‌خاصیت را مطرح می‌کند و اگر از موسیقی و هنر دم می‌زند، هنر اغواگری و خنیاگری را می‌ستاید، از آثار باستانی و ادبیات و هنری که راه آسمان را نشان دهد و عطر معنویت و اخلاق و عرفان داشته باشد به شدت وحشت دارد.

غرب بیش از پنجاه سال است که در مسیر نفی هویت اسلامی فرزندان میهن بزرگ اسلامی می‌کوشد. و برای شکار نسل جوان دام می‌گذارد و دانه می‌پاشد. استکبار می‌داند که فریاد اذان و آوای قرآن فضای کشورهای اسلامی را در برابر امواج تبلیغاتی او نفوذ ناپذیر و پولادین کرده و مردم را در برابر فرهنگ مادیت بیمه می‌کند. از این رو پیشینهٔ فرهنگی، اخلاقی، هنری و صنعتی «دیار ابرار» را نفی می‌کند و اگر نتواند، به تحریف و «مسخ» آن می‌پردازد.

دجال غرب اگر بتواند نسل جوان را با کوه کاذب آب و نان، فرهنگ می‌فریبد و بهشت موعود را مستقیماً در مرزهای اروپا و آمریکا نشان می‌دهد. و اگر نتواند حماسه خاک و خون را مطرح می‌کند، ایرانیان را به داستانهای رستم و اسفندیار و عربها را به پان عربیسم و ترک‌ها را به شعارهای آتاتورک مشغول می‌سازد.

ولی سرزمین اسلام، دیار ارزشهاست، دیار ایمان و دانش و هنر و

کوشش است. افتخار دیار اسلام چند اثر باستانی بجا مانده از شاهان بیدادگر و چند شعر باقی مانده از لحظهٔ عربده و مستی چند شاعر نیست. دیار اسلام به دانشمندان متعهد و عالمان دوراندیش و حافظان قرآن و راویان حدیث و مجاهدان سلحشور و فداکاران مؤمنی می‌بالد که در دامان دین بزرگ شدند و از ایمان و آزادی و استقلال انسانها دفاع کردند.

افتخار سرزمین اسلام، مربیان و معلمان و کارگران و کشاورزان و رزمندگانی هستند، که ایمان و عشق خدا در دل دارند و قلب و کتاب و بیل و کلنگ و آچار و اسلحه در دست.

دیار اسلام به آداب و رسوم نیکوی انسانی و اخلاقی افتخار می‌کند که از آگاهی و آزادی و آرمان‌های بلند انسانی برخاسته است و از هنر «فرهنگ مردم» و «آداب مردمی» و «موسیقی سنتی» که با معیارهای مکتبی در تضاد باشد برائت می‌جوید.

در شهر و دیار ابرار، ایثارگران تولیدگران اصلی ارزشهای اجتماعی و پاسداران آبرو و حیثیت انسانی و مسلمانی‌اند. قدمت تاریخی و قدرت فنی و هنری منهای ایمان و اخلاق نشان هیچ امتیازی و افتخاری نیست. مجموعهٔ پژوهشی «دیار ابرار» با این آرزو شکل گرفته که خدمات هر شهر و دیار دنیای بزرگ اسلام به این آئین الهی، روشن گردد و سیمای ارزشی سرزمین اسلام، ترسیم شود و خدماتی که مردم هر منطقه به اسلام و تشیع، تقدیم داشته‌اند، مشخص گردد.

در این مجموعه به حول و قوه الهی سابقهٔ تشیع و اسلام‌پذیری هر شهر، راویان برخاسته از هر منطقه و پیوند تاریخی شهر با عترت پیامبر (ص)، سخنان پیشوایان معصوم دربارهٔ شهرها، فقهاء، محدثان، مفسران و حافظان و خطباء و شاعران متعهد هر منطقه، مطرح می‌گردد. از امامزادگان و بزرگان مدفون در شهرها سخن به

میان می‌آید. مبارزات مردم شهرها با کفار و اشرار ترسیم می‌شود. مساجد، مدارس، دانشگاهها و مراکز فرهنگی مهم شهر در پیشدید نسل جوان قرار می‌گیرد. آداب و سنن خوب و اسلامی مردم در ماه رمضان و محرم و عید فطر و قربان و غدیر و جمعه یادآوری می‌شود. روحیات و اخلاق مثبت مردم شهرها همواره با ضرب‌المثل‌های مفید و حکیمانه و جغرافیایی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی شهرها مطرح می‌گردد.

و در یک سخن، کوشش بر این است که خدمات متقابل اسلام و هر یک از شهرهای مهم وطن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این تلاش که توسط گروهی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم و با حمایت و هدایت سازمان تبلیغات اسلامی در پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) تمرکز یافته است، جمعی از نویسندگان جوان و فضلاء دلسوز حوزه علمیه، به میدان جهاد فرهنگی قدم نهاده و کوششی هماهنگ را به منظور بازشناسی شهر و دیار اسلام آغاز کرده‌اند.

در این مجموعه نسل جوان مخاطب اصلی است. و یاران پژوهشکده امیدوارند فرزندان اسلام با تبارنامه تاریخی خویش آشنا شوند و باغ و بوستان اسلام و مسلمانی را در جای کره زمین به تماشا نشینند. و به جای مطالعه رمان‌های دروغین غرب، داستان راستان را در چهار سوی «دارالاسلام» بخوانند.

در پایان از صاحب نظران و خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود نظرات اصلاحی، تکمیلی و ابتکاری خود را به صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۱۳۵، قم، «پژوهشکده باقرالعلوم (ع)» ارسال فرمایند.

مقدمه

عظمت و بزرگی مردمان یک سرزمین به چیست؟ و راه حفظ آن کدام و چگونه است؟! آشنا شویم.

دور ماندن از افتخارات گذشته و حال و بیگانگی با هویت سبز تاریخی و اصالت‌های ارزشمندش قطعاً انسان را در تیر رس حوادث ناخواسته و هجوم فرهنگ بیگانه قرار می‌دهد: نگاه عمیق و موشکافانه به سیمای تاریخی دیار ساری، داستان راستان این سرزمین افسانه‌ای کشف و واقعیات ارزشمند و گرانبهایش در پیشدید نسل کنونی قرار گرفته چراغ راه آیندگان می‌گردد.

تلاش در راه شناساندن صاحبان علم و هنر نوادگان پیامبر(ص) مساجد، پیشینه مدارس علمیه، نقش مردان و زنان این سامان در قیام‌های مذهبی و مبارزه‌شان با ستمگران و دیگر رخداد‌های تاریخی وظیفه قلمداران متعهد و هنرمند این دیار است. چه حراست از دستاوردهای ارزشمند بجا مانده از تاریخ گذشتگان بدون شناخت و آگاهی

میسر نیست.

با انگیزه به تصویر کشیدن افتخارات گذشته و نیز ترسیم سیمای کنونی شهر ساری و گام نهادن در معبر تاریخ و فرهنگ مردمش و عشق و ارادت آنان نسبت به معصومین و خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) چنین دریافتم که کاوش در خطه سبز ساری مقوله‌ای است که در یک کتاب نمی‌گنجد.

با تقدیم آفرین بر گذشته درخشان و پر حماسه مردم این سامان و باورهای اسلامی و انقلابیشان بر آن شدم کوتاه و گزیده رخدادهای تاریخی و مذهبی این شهر را مرور کرده و توجه صاحبان قلم را در جهت نمایاندن بیشتر پیشینه این شهر جلب نمایم. و این کتاب را به همان مردم خونگرم تقدیم کنم که عشق و ایمان به اسلام و عترت در خونشان «ساری» و جاری است.

در این دفتر، شهر ساری محور بحث است اما در بیان حوادث تاریخی و ذکر عالمان و شاعران و... در بعضی موارد استان مازندران مورد توجه است.

خوانندگان گرامی با مشاهده کاستیها، انتقادات و پیشنهادهای خود را ارائه، ما را یاری نمایند.

در پایان با تشکر از همه آنانی که ما را در تدوین این کتاب یاری نموده و از دادن اطلاعات و آمار دریغ نورزیدند از خداوند متعال برای آنان آرزوی موفقیت داریم.

قم - پژوهشکده باقرالعلوم

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۱۵، میلاد مقدس حضرت زهرا (س)

مرتضی بذرافشان

فصل اول

جغرافیا

سرزمین سبز

مازندران با برخورداری از طبیعتی زیبا و دلپذیر، از خوش آب و هوای ترین نقاط ایران است؛ چنانکه فردوسی در ستایش آن چنین سروده است:

که مازندران شهر ما یاد باد	همیشه بر و بومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است	به کوه اندرون لاله و سنبل است
هوا خوش‌گوار و زمین پرنگار	نه سرد و نه گرم و همیشه بهار
نوازنده بلبل به باغ اندرون	گرازنده آهو به راغ اندرون
گلاب است گویی به جویش روان	همی شاد گردد زبویش روان
دی و بهمن و آذر و فرودین	همیشه پر از لاله بینی زمین
کسی کاندرا آن بوم آباد نیست	به کام از دل و جان خود، شاد نیست

موقعیت استان

استان مازندران به مساحتی حدود ۴۶/۴۵۶ کیلومتر مربع از شمال به

جمهوری ترکمنستان و دریای مازندران، از شرق به استان خراسان، از جنوب به استانهای سمنان، تهران، زنجان و از غرب به استان گیلان محدود است.

سه جاده: هراز، کندوان، فیروزکوه، و نیز خط آهنی سراسری، مازندران را به مرکز کشور و سایر شهرهای ایران متصل می‌کند.

آب و هوای مازندران معتدل ولی اغلب متغیر و دارای اختلاف شدیدی است. این استان از نظر جغرافیایی شامل دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای است که بخش عمده‌ای از منطقه کوهستانی آن به صورت مرتع برای نگهداری احشام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ناحیه جلگه‌ای، که شیب آن به طرف شرق و دشت گرگان است و عموماً از رسوبات رودخانه‌های مهمی چون چالوس، هراز، بابل، تالار، تجن و گرگان رود تشکیل شده است، محصولات مهمی چون برنج، گندم، جو، پنبه، کنف، کتان، دانه‌های روغنی، صیفی‌جات، انواع مرکبات، و درختان صنعتی - در ناحیه جنگلها - به دست می‌آید.

دریای شمال

دریای شمال بازمانده‌ای از دریای کم عمق و پهناور «تتیس» از دوران اولیه در منطقه وجود داشته و گنجینه‌ای مملو از انواع ماهی‌ها بخصوص خاویار است. خاویار ایران که آن را «مروارید سیاه» لقب داده‌اند، از بهترین انواع خاویار بوده، مقدار زیادی از آن به کشورهای دیگر صادر می‌شود.

شهرهای استان

شهرهای استان مازندران عبارت است از: ساری - مرکز استان - بابل،

بابلسر، بندر ترکمن، آمل، آق قلعه، بندرگز، بهشهر، تنکابن، چالوس، آزادشهر، رامسر، ساقی کلايه، سوادکوه، علی آباد، رامیان، قائم شهر، کردکوی، کلاردشت، گرگان، گمیشان، گنبد قابوس، نور، نوشهر، مینودشت، گالیکش، کلالة، مراوه تپه، داشلی برون، چهار دانگه، یانه سر و دودانگه.

طبرستان

طبر در زبان محلی به معنی کوه است بنابراین طبرستان یعنی کوهستان^۱ مازندران که سابقاً طبرستان نام داشته، قسمتی از ایالت قدیمی «فرشوادگر» به شمار میرفته و این ایالت بزرگ شامل آذربایجان، آهار، طبرستان، گیلان، دیلم، ری، قومس (سمنان فعلی)، دامغان و گرگان^۲ و بین دو استان گیلان و گرگان واقع بوده است.^۳

طبرستان ناحیه‌ای شامل کوه و دشت و دریابوده که تا قرن چهارم هجری آبادی‌های ذیل را در برداشته است: آمل، ناتل (بین آمل و دیلمان)، سالوس (چالوس فعلی) کلار، روپلان، لمراسک (از روستاهای بهشهر)، الهم، ساری، برجی، مهروان، میله (از روستاهای آمل)، مامطیر (بابل فعلی) و تمیشه^۴ صحرای طبرستان در آن زمان نیز همچون امروز برای کشاورزی و دامداری مستعد بود، و مردم به زبانی سخن می‌راندند که ساکنان نواحی مجاور از درک آن عاجز بودند بناهای طبرستان در آن زمان از چوب و نی و پشت بام آنها از سفال سرخ مفروش بود. مردم آن دیار دارای موهای پرپشت و ابروهای پیوسته بودند. چون

۱ و ۲ - مازندران و استرآباد، رابینو، ص ۲۱

۳ - علویان و طبرستان، ابوالفتح حکیمیان، ص ۳۰

۴ - علویان طبرستان، ص ۳۷

حالا با شتاب سخن می‌گفتند و طعامشان در آن زمان به مانند امروز بیشتر نان، برنج، ماهی و سیر بود.^۱

بادگار تاریخی

شهر کنونی ساری در جوار یکی از شهرهای بسیار قدیمی این دیار ساخته شده است. محققان درباره نام آن شهر نظرات مختلفی اظهار داشته‌اند و هر کسی نام یکی از سرزمینهای باستانی را که در کتابهای یونانی دیده می‌شود بر آن نهاده است. بعضی گفته‌اند این همان محلی است که به «فناکه» موسوم بوده و بعضی دیگر آن را «زدرکرت» می‌دانند؛ و برخی هم معتقدند که نام شهر مزبور «سیرینکس» بوده است.^۲

بنای شهر ساری را به قبل از اسلام و «طوس بن نوذر» نسبت می‌دهند، و تجدید بنای آن در قرن اول هجری به دست «فرخان» صورت گرفته است. و گویند وی آن را به نام پسر خود «سارویه» نامید که با گذشت زمان به ساریه و سپس ساری تبدیل شده است. این شهر بر اثر هجوم مغول و حوادث دیگر رو به خرابی نهاد. در دوره صفویه بناهای مهمی در آن ساخته شد، در اوایل دوره قاجاریه قدری آباد شد. ولی در اواخر دوره رو به خرابی گذاشت.^۳ شهرستان ساری، مرکز استان مازندران، از شمال به دریای خزر، از مشرق به بهشهر، از جنوب به سلسله جبال البرز و از غرب به شهرستان قائم شهر محدود می‌گردد.

این شهرستان از سه بخش تشکیل شده است:

۱ - همان مدرک، ص ۳۸

۲ - مازندران و استرآباد، رابینو، ص ۸۹

۳ - جغرافیای تاریخی شهرها، عبدالحسین نهجیری، ص ۱۱۵.

- الف - بخش مرکزی که شامل دهستانهای میانرود، رودپی، اندرود، اسفیورد شورآب، شهرخواست، کلیجان رستاق است.
- ب - بخش چهاردانگه با مرکزیت کیاسر، شامل دهستانهای چهاردانگه هزارجریبی و چهاردانگه سورتجی می باشد.
- ج - بخش دودانگه با مرکزیت محمدآباد، شامل دهستانهای بندرج، فریم، بنافت، پشتکوه و نرم آب دوسراست.^۱

مجموعه جهان نما

مسجد بزرگ «فرح آباد» با ایوانهای رفیع و حجره‌های متعدد، و پل بزرگ آجری، که در حال حاضر دو دهانه آن برجای مانده، مجموعه بندرگاه قدیمی فرح آباد را به وجود آورده است. این شهر در سه کیلومتری ساحل خزرآباد ساری قرار دارد و به «جهان نما» معروف است که در سال ۹۲۱ هجری به فرمان شاه عباس اول، در کنار رود تجن احداث گردید و از آن زمان به بعد ساری مورد توجه بیشتر قرار گرفت. با توجه به نوشته جهانگردان این بندر زمانی به علت موقعیت خاص تجاری، از شهرت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

رودخانه‌ها

از بین هفت رشته کوه منشعب از سلسله جبال البرز، پنج رودخانه به قرار ذیل به طرف شمال و دشت ساری جریان دارد:

۱ - رودخانه لاجیم، که از ارتفاعات شمالی رسکت سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۳۰ کیلومتر به رودخانه تجن متصل

۱ - فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص ۲۸۳

می‌شود.

۲- رودخانه تجن، که طول آن ۱۲۰ کیلومتر است و به دریای خزر

می‌ریزد.

۳- رودخانه پریم، که سرچشمه آن شیرین‌رود، اشک‌رود و

عروس داماد است. طول آن ۴۰ کیلومتر و در اراضی افراچال

به تجن می‌پیوندد.

۴- رودخانه گرم‌آبرود، که از باده‌کو، سرچشمه می‌گیرد.

۵- زارمرود، که از کوه چنگی سرچشمه می‌گیرد و در ۱۶ کیلومتری

جنوب ساری به تجن متصل می‌شود.^۱

ارتفاعات

ارتفاعات شهر ساری از سلسله جبال البرز به شمار رفته و در انتهای جنوبی شهر واقع و متوسط ارتفاع آن در حدود سه هزار متر است. ۷ رشته فرعی آن از حدود جنوب به شمال و مایل به غرب منشعب و در ۵ تا ۳۰ هزار متری دریای خزر با زمین هم‌سطح می‌گردد. این ارتفاعات پوشیده از جنگلهای انبوه است و راههای آن محدود و بخصوص هنگام بارندگی، عبور از آنها بسیار دشوار است. قله‌های دیز آباد، چهارنو، شاه دژ در جنوب دهستان پشتکوه دودانگه و قله کوه سفید، داراب کوه، باده کوه و کوه چنگی در جنوب دهستان پشتکوه چهاردانگه از مرتفع‌ترین قله‌های جنوبی شهر می‌باشند. از این قله‌ها قسمت اعظم نواحی مازندران، همچنین نواحی سمنان و دامغان قابل رؤیت است.^۲

۱- تاریخ دوهزار ساله ساری، حسین اسلامی، ص ۴۸

۲- لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۸ (کلمه ساری)



نمونه خانه قدیمی در ساری



میدان ساعت - ساری

فصل دوم

طلوع

طلوع نور

مردم ساری از شلاق ستم شاهان، روز و شب نداشتند، آه و ناله و قطرات اشک، خوراکشان بود و دست عذاب سیاه پیشگان، آغشته به خونشان.

مظلومان بی پناه، عرقریزان در هوای متغیر این سامان، روز را با تلاش پیگیر بدان امید به شب می رساندند که با به دست آوردن لقمه‌ای نان. نگاه معصوم و منتظر کودکان را به شادی جواب گویند. برای آنان کار در شالیزار. ثمره‌ای - جز رنگ پریدگی و ابتلا به بیماریهایی چون روماتیسم و دیگر مرضهای شایع منطقه‌ای - در بر نداشت.

مردم این منطقه، زیر فشارهای گوناگون حاکمان ظالم دست و پا زده فطرت پاک آنان در انتظار دست غیبی بود که از راه رسد چون نسیم بهشتی آنان را جانی دوباره بخشد. تا اینکه خبری مسرت بخش از شبه جزیره حجاز، در مسیر بادهای شمال ایران، سینه به سینه به گوش ساری نشینان رسید. خبری نو با مژده‌هایی تازه، شادی بخش دل و جان

همگان گشت. رسالت پیامبر رستگاری، شادی محرومان را به دنبال داشت. دلدادگان راه آزادی گویا به گم‌شده خویش دست یافته اند؛ از این رو امیدشان زنده و جسم و روحشان در انتظار دعوت بود. اما هزار افسوس که تحریف گران حقیقت و آتش پرستان تبه کار، در سایه مؤبدان و روحانیان دنیا زده احساس خطر کرده، تلاش کردند تا نگذارند ندای توحید به گوش و جان حقیقت طلبان برسد و در این راه موفقیت‌هایی نیز نصیبشان گشت و تائیش از یک قرن، خورشید اسلام را در پس ابرهای زور و جهالت مخفی داشتند.

گام گل

سپاه اسلام برای فتح ساری به نبردی دست نیازید. سال بیست و دوم هجری «سوید بن مقرن» مأمور خلیفه دوم، بدون جنگ و خونریزی دامغان را فتح کرده، نامه‌ای برای «فرخان» پادشاه طبرستان (مازندران کنونی) فرستاد که گرچه دربردارنده تهدید نبود اما محتوایش این بود که اگر حاکم طبرستان خواسته‌های وی را نپذیرد، عهد و میثاقی میانشان نیست.^۱

کارگزاران حاکم با شنیدن این خبر، وحشت زده، به چاره‌اندیشی، گرد هم آمده با هراس و نگرانی نزد حاکم بزرگ شتافتند تا از این نگرانی‌رهایی یابند.

فرخان از پیروزیهای پیاپی مسلمین خبرداشت و می‌دانست که مقاومت در برابر نیروی ایمان مسلمانان نتیجه‌ای جز شکست ندارد. از این رو به زیردستان خود گفت: بدانید ما آینده خوشایندی در پیش رو

۱ - علویان طبرستان، ص ۸

نداریم. با طلوع ستاره‌ای از مکه، کار عجم رو به پایان است.

دین محمد(ص) دینی نو و پیام‌آور رهایی و آزادی و پیروز است. صلاح ما و مملکت، آن است که قبول صلح کنیم و با دادن جزیه* از جنگ و خونریزی پرهیزیم. فرخان با این مصلحت‌اندیشی شگرف^۱ از فرمانده مسلمانان درخواست صلح کرد و «سويد» نیز پذیرفت.

یکی از بندهای قرارداد صلح این بود که اگر مسلمانان در جنگی به نیرو و کمک نیاز پیدا کردند، اهالی آنجا آنان را یاری دهند.^۱

به رغم هجوم اولیه مسلمانان و صلح فیما بین، حاکمان محلی عملاً در استقلال کامل بودند و حکومت از آن پادشاهان محلی بود.^۲

این استان به موجب داشتن کوههای بلند و استوار، جنگلهای انبوه و راههای تنگ و باریک، همواره مرکز وقوع ماجراها و حوادث بسیار بوده و سران سرکش و نافرمان را به خود پناه داده است. و شاید به این خاطر بوده که طبرستان همیشه در مقابل سیل هجوم بیگانگان بیشتر از سایر نقاط ایران مقاومت ورزیده است و بیگانگان دیرتر از همه جا، آن ناحیه را در سیطره خود درآورده‌اند. همواره کوههای صعب‌العبور این استان همچون قلعه‌ها و سنگرهای طبیعی این منطقه را از آسیبها حفظ کرده است. از این رو همان طور که هخامنشیان و ساسانیان نتوانستند آن سامان را مطیع خویش سازند، مسلمانان نیز در قرن اول هجری به رغم پیروزیهای کسب شده، به همان مشکل گرفتار آمده در ابتدا به دلیل مشکل تراشی‌های حاکمان نگون‌بخت، گرایش به اسلام در این منطقه پیشرفت محسوسی

* - قسمتی از مالیات که کفار طبق قرارداد به حکومت اسلامی داده، در پناه آن قرار می‌گیرند.

۱ - تاریخنامه طبری به تصحیح محمد روشن، ج ۱، ص ۵۲۷

۲ - علویان طبرستان، ص ۷

نداشته است.

همین مسئله و عمل نمودن به مفاد قرارداد باعث شد در زمان خلافت «سلیمان بن عبدالملک» حمله دیگری تحت فرمان «یزید بن المهلب» به سوی طبرستان صورت گیرد.

سال ۹۸ ه. ق. طبرستان دوباره فتح شد. مهاجمان پس از تصرف شهر گرگان از طریق جنگل رو به طبرستان نهادند. سپاهیان پیروز با اره و تبر درختان را انداخته، راه را برای عبور لشکر هموار می کردند. پادشاه این منطقه چون پیروزی لشکر مهاجم را نزدیک دید قصد فرار داشت اما بستگانش او را از این کار منع کردند. وی پس از جنگ و جدالی خونین ادامه آن را بی فایده دید و به قبول صلح وادار شد.^۱

غروب ظلمت

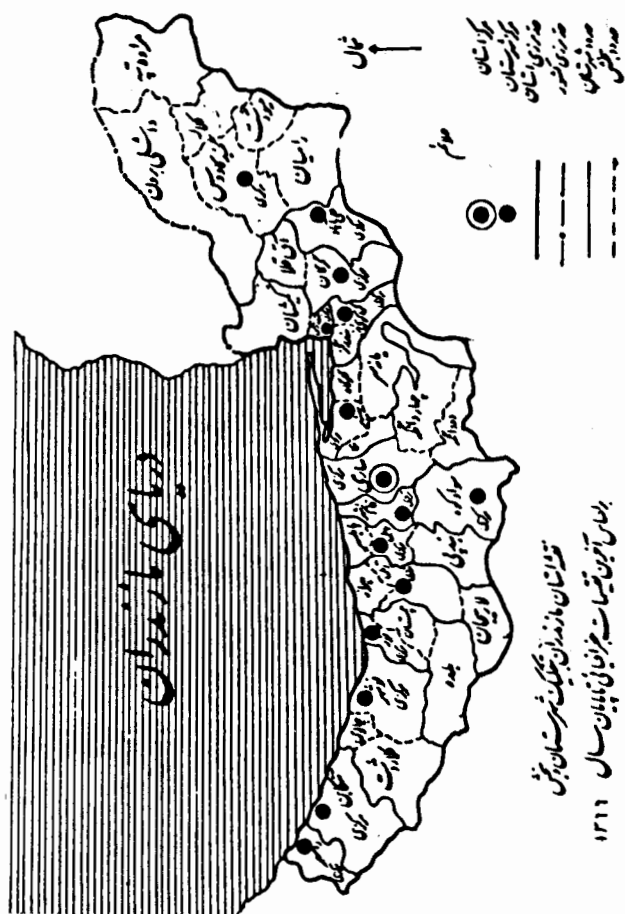
بیش از یک قرن از تصرف ساری به دست مسلمانان گذشته بود ولی حاکمان آنجا همچنان در کوهستانها فرمان رانده، از قبول اسلام سرباز می زدند. چون قدرت و حکومت، حجاب دیده شان گشته بود. آنان هر روز گرایش گروهی از پاک فطرتان را به اسلام شاهد و از فشار نظامی و روانی، خسته و درمانده شده بودند مقاومت را بی ثمر دیده، وقت آن بود که حاکمان آتش پرست، کبر و غرور شاهانه را کنار نهند و در برابر معجزه محکم الهی، یعنی قرآن، سر تسلیم فرود آرند.

سرانجام دوران هوی و هوس، ظلم و بی عدالتی به سر رسید و پادشاه طبرستان با قبول اسلام، در برابر قدرت الهی سر تعظیم فرود آورد. مظلومان به آرزوی شان دست یافتند، و در راه ماندگان گروه گروه به کاروان

نور پیوستند و دیری نپایید که اسلام رهایی بخش، جایگزین آتش پرستی در طبرستان شد.^۱

مهمترین عامل استقبال مردمان این مرز و بوم از اسلام، هرج و مرج در حکومت محلی، ستم بر مردم و وجود تبعیضات نژادی و فاصله های طبقاتی، هماهنگی آیین تحریف شده زرتشتی با مستبدان حاکم و حمایت روحانیان خود فروخته از سردمداران زور بود. از سوی دیگر، رفتار مسلمانان پیروز موجب شد تا کم کم بذر اسلام در دل آنها افشانده شود. به برکت اسلام، مردم منطقه به عدالت، معرفت و محبت ورزی به یکدیگر که آرزوی همگان است دست یافتند. همان آیین نجات بخشی که منادی آزادی و حقیقت گرایی بود و پیام آورش الگوی راستی و ضدیت با تبعیضات ناروا.

۱ - علویان طبرستان، ص ۷



برلاس آفرین قیامت خیزانی پامان سال ۱۳۱۶
قزاقستان مازندران جلیق خرستان بوش

فصل سوم

نسیم بهشتی

تلخی فراق

به شهادت رساندن سالار شهیدان حسین به علی - علیهما السلام - زنگ خطر امویان به آزادیخواهان و متادیان اسلام راستین بود، که فصل عدالت پایان یافته است.

از پس این واقعه، فراق و مهاجرت، تنها راه چاره سادات، در راه حفظ ایمان بود. آنان غریبانه در گوشه و کنار پراکنده شده، از این راه به اشاعه هرچه بیشتر دین مبین اسلام پرداختند.

«وقتی یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین، در کوفه دست به شورش زد پس از دستگیری وی، بعضی از ساداتی که در جنگ همراهش بودند به طبرستان و دیلمان گریختند و به ریاست حسن بن زید، سادات علوی و بنی هاشم از حجاز و سوریه و عراق دسته دسته به طبرستان آمدند و این کار در زمان حاکمان بعدی علویان نیز دوام داشت».^۱

نوادگان پاک امام حسن (ع) در مناطق شمالی ایران سکنی گزیدند،

۱ - دودمان علوی مازندران، رابینو، ص ۳۱

آنان عموماً در خفا یا در انزوای می‌زیستند، و زعمای مذهبی آنان به مجرد آنکه فرصتی می‌یافتند، علیه حاکمان برمی‌خاستند، و در راه عقیده، پرچم جهاد برمی‌افراشتند بر اثر پراکندگی سادات علوی دولتهایی چند در نقاط مختلف عالم پدیدار شد که مقتدرترین آنان دولت زیدیه در یمن و علویان در طبرستان بود.^۱

طلایه‌دار علوی

سرسلسله دودمان علویان طبرستان «حسن بن زید» ملقب به داعی کبیر بود. موقعیت خاص طبرستان موجب شد که وی در سال ۲۵۰ هجری دعوت مردم را به قیام بپذیرد؛^۲ و طلایه‌دار قیام و حرکت در آن ناحیه باشد. چنانکه پیشتر گذشت حاکمان گذشته این ناحیه به دلیل وضعیت کوهستانی منطقه و صعب‌العبور بودن راه‌های آن و دور ماندن از مرکز حکومت ساسانیان، همواره در استقلال کامل بودند. این امتیاز موجب گشت تا حکومت علویان در این سرزمین پر نعمت و خوش آب و هوا، در کنار دریای خزر شکل گرفته و بتواند در مقابل حکومت عباسیان بایستد و زمینه گسترش دین اسلام فراهم شود.

حسن بن زید در این موقعیت آماده قیام شد. وی روزپنجشنبه ۲۷ رمضان سال ۲۵۰ هجری به کجور^۳ رسید. در روز عید فطر به مصلی رفت و نماز عید گزارد و بر منبر قرار گرفت و خطبه‌ای بلیغ با فصاحت علویان ایراد نمود و مسلمانان را به اطاعت از کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص)

۱- دودمان علوی مازندران، ص ۳۱

۲- علویان طبرستان، ص ۷۴

۳- از دهستانهای شهرستان نوشهر

فراخواند و بر امر به معروف و نهی از منکر ترغیب کرد. پس از رفتن به آمل و بیعت مردم با وی وارد ساری شد. سارویان از او استقبال و با وی بیعت کردند. وی پس از نبردی سنگین و خونین با «سلیمان عبدالله» از کارگزاران عباسی عازم آمل شد و پس از پانزده روز به ساری برگشت، و چند ماهی از سال ۲۵۲ را در ساری گذراند.^۱

در زمانی که امویان و عباسیان اسلام را وارونه ارائه داده بودند و عملکرد ناشایست خلفای محلی نیز به حساب اسلام گذاشته می‌شد، حکومت سیاسی-مذهبی علویان در طبرستان جلوه‌ای از اسلام راستین داشت و نفوذ اسلام در آن سرزمین موجب گردید که علویان با درایت و قاطعیت، بقایای آتش پرستی را در دیار طبرستان محو نمایند.

سنگربانان تشیع

در دوران پرافتخار حاکمان علوی حق و عدالت زنده شد و ارزش‌های دینی و انسانی جان گرفت. آنان بیش از نیم قرن حکمرانی کردند و در طول این مدت، با شیوه امر به معروف و نهی از منکر با اخلاق و رفتار شایسته به اصلاح جامعه پرداخته و با تلاش در راه انسان سازی و خدمت به مردم توانستند قلب‌ها را متوجه و افکار و احساسات را به خود جلب نمایند. از زمان قیام حسن بن زید - در سال ۲۵۰ هـ. ق. - و استیلای وی بر دیلم و طبرستان، تا سال ۳۱۶ هـ. ق علویان حسنی و حسینی که در این مناطق حاکم بوده‌اند به شرح زیر است:

الف - علویان حسنی:

۱ - داعی کبیر حسن بن زید

- ۲- ابوالحسین احمد بن محمد معروف به القائم
- ۳- داعی حق ابو عبدالله محمد بن زید
- ۴- حسن بن مهدی
- ۵- داعی صغیر حسن بن قاسم
- ب- علویان حسینی:
- ۱- داعی ناصر کبیر
- ۲- جعفر بن ناصر کبیر
- ۳- احمد بن ناصر کبیر معروف به صاحب الجیش
- ۴- ابو علی محمد بن احمد
- ۵- ابو جعفر بن حسن بن احمد
- ۶- اسماعیل بن جعفر بن ناصر کبیر
- ۷- ابو جعفر محمد بن احمد ناصر
- ۸- ابوالفضل جعفر بن محمد معروف به سید ابیض
- ۹- ابو طالب هارون الثائر بن محمد^۱

نسیم بیداری

چنانکه گذشت، سادات تحت فشار حاکمان جور به ایران کوچ کرده در کوهستانهای شمال، در گوشه و کنار در خفا و انزوا بودند. آمدن امام رضا - علیه السلام - به ایران نیز موجب شد که گروه بیشتری از آنان به ایران رو کنند و در مناطق مختلف آن، از جمله طبرستان ساکن شوند. فزونی شمار آنان در این ناحیه از ایران، نشان از بالا بودن نفوذ عقاید شیعه در این سرزمین است. ساداتی که تا قرن پنجم به طبرستان مهاجرت کردند ۷۶ نفر

۱- مازندران و استرآباد، رابینو، ص ۲۱۲ - ۲۱۱

بودند، که این رقم بالاترین عدد در بین دیگر شهرهای ایران است.^۱
حضور فراگیر سادات بزرگوار، زمینه فکری شیعه در گستره خاک
ایران را با وجود حاکم مقتدر شیعی که بتواند در برابر حاکمان متعصب
عباسی بایستد فراهم آورد و توانست مسیر عقاید را دگرگون سازد و راه را
به شیفتگان مکتب اهل بیت بنمایاند.

آن یادگاران پیامبر (ص) با روی کار آمدنشان در طبرستان به تمامی
کارگزاران چند نکته را تذکر دادند تا بدان عمل کنند:

۱ - عمل به کتاب خدا و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۲ - آنچه از امیر مؤمنان علی - علیه السلام - نقل شده است.

۳ - برتری دادن علی - علیه السلام - بر جمیع امت جز
پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم).

۴ - نهی از مخالفت با موحدینی که به عدل و توحید اعتقاد
دارند. (شیعه)

۵ - نهی از نقل روایت در برتری دشمنان علی (علیه السلام)

۶ - بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز بعکس اهل
سنت.

۷ - گفتن پنج تکبیر در نماز میت.

۸ - نهی از مسح بر جوراب.

۹ - افزودن «حی علی خیر العمل» در اذان و اقامه.

۱۰ - اذکار اقامه را دو مرتبه ادا کردن.^۲

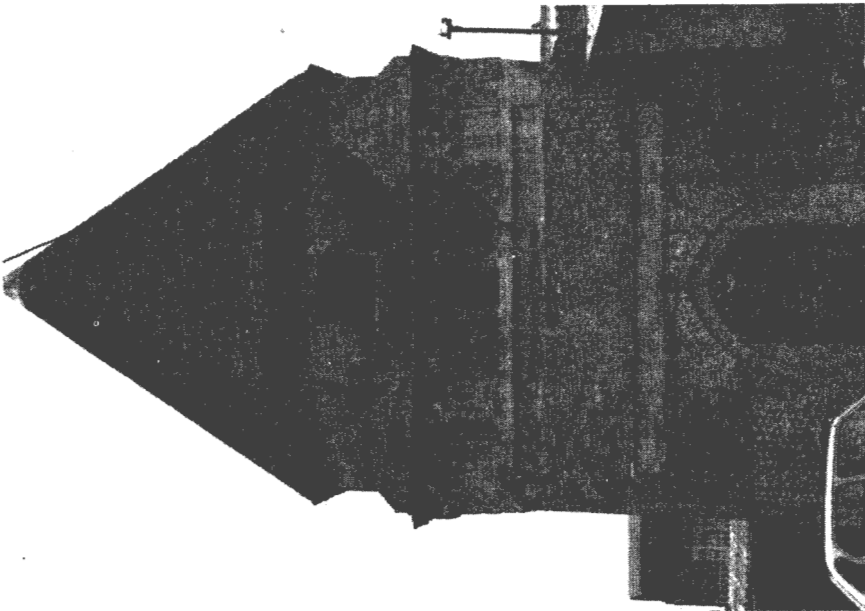
۱ - ... ری ۶۶ نفر، جرجان ۳۲ و قم ۲۳ نفر - تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان،
ص ۱۶۶

۲ - تاریخ تشیع در ایران، ص ۱۸۰

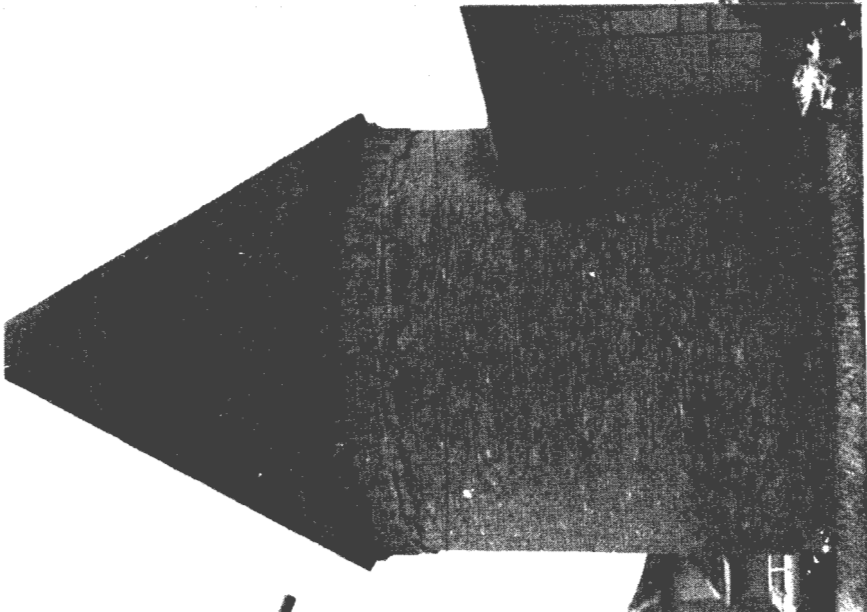
داعی کبیر «حسن بن زید» با این دستورالعمل قاطع و اسلامی، زمینه گرایش به تشیع را فراهم آورد. گرایش مردم به دیگر مذاهب به علت بی اطلاعی آنان از معارف اهل بیت (ع) و زور حاکمان متعصب بود که دیگر زمینه ای نداشت. نواده امام حسن - علیه السلام - آموزه ای از علم و اقتدار بود که توانست با نادانی مبارزه ای سخت و همه جانبه داشته باشد. گرد آمدن بسیاری از سادات در سرزمین طبرستان موجب شد تا پایه های تشیع در دیار ساری مستحکم گردد؛ و از فضای ایجاد شده هر روز بر عدد شیعیان افزوده شود. دیری نپایید که ریشه دیگر مذاهب باطل در آنجا خشکید و نور ولایت اهل بیت بر قلب همگان تابید.

حکومت شیعه در طبرستان، صرف نظر از بعضی حاکمان آن، حکومتی عادلانه بود. افرادی چون حسن بن زید و نیز ناصر کبیر، مردانی پاک، عالم و در عین حال عادل بوده اند. ناصر کبیر شخص حلیم و با وقار بود و با عدالت و انصاف با مردم برخورد می کرد؛ ارزشهای دینی را بزرگ شمرده و در ترویج تشیع تلاش داشت.

حضور سادات در طبرستان از قرن پنجم و بعد از آن، باعث می شد تا حاکمانی که در این دیار به وجود می آمد گرایشهای شیعی داشته باشد. آنان با این گرایش یار و یاور سادات بودند به طوری که در یک نوبت فقط ۲۳ هزار دینار از خزانه صرف شد تا علوی زادگان دختر را به علوی زادگان پسر دهند.^۱



بقعه امامزاده زين العابدين



بقعه امامزاده يحيى

فصل چهارم

برگ پیروزی

راست قامتان

مردم ساری با پذیرفتن تشیع، هماره در عقیده شان استوار مانده هرگز تحت فشارِ رعب و وحشت، از علاقه شان به اهل بیت عصمت (ع) کاسته نشد. آنان خوب می دانستند که عقاید سست، همیشه دستخوش حوادث روزگار است و صاحبش هر روز رنگ عوض می کند.

در آن بحبوحه که ستیان متعصب، شیعیان را کافر و خونشان را حلال می دانستند، اهالی ساری از اعتقادشان دست برنداشتند. به طوری که «در قرن چهارم، شیعیان در این استان آوازه ای داشته اند».^۱

در قرن پنجم و ششم هجری، ساری همچنان از شهرهای شیعه نشین شمرده می شد. زازی قزوینی در عبارتی مناطقی که کلاً یا بعضاً شیعه نشینند را ذکر می کند که نام شهر ساری در آن بین می درخشد.^۲

شیعیان ساری در این دو قرن از اکثریت بالایی برخوردار بوده اما

۱ - تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ص ۲۱۸.

۲ - همان مدرک، ص ۳۰۴.

اقلیتی متعصب سعی در تعارض و تضاد با حقیقت طلبان داشته‌اند. این واقعیت هماره خود را در گذشته دوران این سرزمین نشان داده اما همیشه پیروزی از یاران حق بوده است. آن گروه اندک با وجود همه دسیسه‌ها کاری از پیش نبردند و نتوانستند افکار درست و گرفته شده از مکتب نورانی اهل بیت (ع) را شکست دهند.

باطنیه

از جمله افکار باطل که برای مدت زمانی در این دیار نمایان گشت باطنیه بود که در قرن پنجم و ششم در این شهر ظهور کرد.^۱ شیعیان پاک طینت در این شهر و نیز شهر «ارم» که در قدیم نزدیک ساری بوده با آگاهی از عقاید صحیح، افکار باطنیه را تحمل نکردند. آنان در سایه رهبری عالمان راستین و پرهیزکار، به مبارزه با این گروه منحرف برخاستند.

طبق نقل مورخان، امیران حاکم در آنجا شیعه بوده و سرسختی زیادی در برخورد با باطنی‌ها داشته‌اند. و هزاران

۱ - باطنیه یکی از فرق شیعه هستند که معتقدند هر چیز ظاهر و باطنی دارد از این رو آیات قرآنی و احادیث را تأویل می‌کنند ظاهر آنها را درست نمی‌دانند بلکه به باطن آنها نظر می‌کنند. و به سبب همین پنهان بودن معانی است که طبق نظر آنها هر کس بر فهم باطن امور آگاهی ندارد؛ و بشر نیاز به امام یا معلم دارد، و اوست که ظاهر را تأویل و باطن را روشن می‌سازد آنان مردم را بدانچه میل دارند می‌خوانند و از این راه، افراد را به کیش و آیین خود دعوت می‌کنند

باطنیه معجزات را رد کرده، منکر این هستند که در آسمان فرشته باشد. آنها معتقدند پیغمبران گروهی بودند که ریاست را دوست داشتند و... فرهنگ فرق اسلامی، دکتر جواد مشکوره، کلمه باطنیه

ملحد را در سال طعمهٔ سگان می‌کردند.^۱

از آنچه گذشت بخوبی برمی‌آید باطنیه اگر چه یکی از گروه‌های شیعه تازه شکل گرفتهٔ آن زمان به حساب آمده، امامیان آنان و شیعیان واقعی در شهر ساری فاصلهٔ عقیدتی حاکم بوده و اینها نه تنها ارتباطی با یکدیگر نداشته بلکه دشمن یکدیگر نیز بوده‌اند.

پیشگامان فریضة جمعه

از آنجا که در فقه شیعه چنین مشهور است که امام جمعه باید از ناحیهٔ امام معصوم منصوب گردد و گروهی از مجتهدان برگزاری آن را در زمان غیبت امام زمان (ع) واجب ندانسته‌اند. عده‌ای از پیروان مذهب تسنن، شیعیان را به ترک کلی نماز جمعه متهم می‌سازند؛ در حالی که شواهد بسیار، عکس این موضوع را ثابت می‌کند، نماز جمعه در اکثر مناطق شیعه نشین از جمله شهر «ساری» از قدیم مرسوم بوده است. بنای مسجد جامع در شهرهای شیعه‌نشین، که اساساً جهت اقامه نماز جمعه می‌باشد. شاهی بر صدق این مدعاست.

«رازی قزوینی می‌نویسد: در دو مسجد جامع قم و در مسجد جامع آوه و مسجد جامع کاشان و ورامین و در همهٔ بلاد شام و همه دیار طبرستان این سنت محمدی بر قرار و انکار این مطلب جهل و نادانی است.»^۲

مدیحه سرایی

از جمله مراسم شیعیان در قرن پنجم و ششم هجری که در این شهر و

۱ - تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۱۰

۲ - النقص، رازی قزوینی، ص ۳۹۵

دیگر شهرهای مازندران رواج داشته، مناقب خوانی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بوده، که به صورت آشکار خوانده می شده است.

این منقبت خوانی را می توان به مدیحه سرایی تشبیه کرد که امروزه در ایران اسلامی در روزهای ولادتِ معصومین - علیهم السلام - انجام می شود. این مراسم نیز از طعن و تمسخر متعصبان مذهبی محروم نماند. آنان این مدیحه سرایی را از تعصبات شیعی در برابر سنیان دانسته تا به زعم باطلشان - عوام الناس را از راه به در کنند.

«رافضیان (شیعیان) این همه منقبت می خوانند تا عوام الناس و کودکان دیگر طوایف را از راه ببرند، و وانمود کنند که کار علی (ع) مقدور آدمی نبود و همه صحابه دشمن علی (ع) بودند.»^۱

«رازی قزوینی در کتاب نقض می نویسد: این دروغی ظاهر و بهتانی عظیم است. اگر غرض این بود، خواندن مناقب بایستی در قم و کاشان و آبه و بلاد طبرستان و سبزوار و دیگر مکانهای شیعه که اثری از پیروان تسنن نیست - این مراسم برگزار نشود؛ چون در آن مکانها عوام الناس و کودکان دیگر طوایف نیستند تا منحرف شوند.»^۲

لفظ بلاد مازندران حاکی از آن است که مراسم مدیحه سرایی در آن سالها، در ساری و دیگر شهرهای مازندران رواج داشته است. این شیوه پسندیده هم اکنون در روزهای باشکوه و پرافتخاری چون میلاد پیغمبر اکرم (ص) و مبعث آن حضرت و نیمه شعبان - و روز ولادتِ امام علی (ع) و عید غدیر و ولادت دیگر معصومین - علیهم السلام - در گوشه و

۱ - تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۱۳.

۲ - همان مدرک، ص ۳۱۴.

کنار این دیار و روستاهای آن، درمساجد و تکایا برگزار می‌گردد. در این روزها مسلمانان با شادی و سرور به زینت در و دیوار مساجد، تکایا، خیابانها و دیگر مراکز پرداخته، هرکس به نوعی در این شادی سهیم است.

یورش مغول

در اوائل قرن هفتم هجری حمله برق آسای مغول و غلبه آنان بر دیار ساری باعث خرابیهای بسیار شد. قتل و غارت کشاورزان و از بین بردن زمینهای زراعتی و در نتیجه فقر و محرومیت، از پیامدهای این پدیده شوم بود. آن حمله، این دیار را از بزرگان دینی و سیاسی خالی نمود. تجاوز و کشتار بی رحمانه مغولان، همگان را به انتظار نشانده بود و جملگی چشم دوخته بودند که دست غیب را آشکار ببینند تا آن مظلومان بی پناه و بی دفاع را در برابر بیگانگان تشنه خون یاری دهد و شمشیر تیز و تشنه شان را از خون نامردان سیراب سازند.

«در این زمان سربداران به رهبری شیخ حسن جوری و امیر وجیه الدین مسعودی، قیام علیه ستمگران مغول را آغاز و حکومت شیعی اثنی عشری را در بسیاری از شهرها بر پا کرده بودند. سید قوام الدین مرعشی نیز از مازندران وارد خراسان شد و در نشست خود با رهبران قیام، مجذوب تعالیم آنها شد.»^۱

مردم که از ظلم و ستم حاکمان سرزمین خود به تنگ آمده بودند، به سید روی آوردند، سید قوام که از مدتها قبل راهی مازندران شده بود، در صدد تحقق آرمانهای سیاسی ای بود که از ایدئولوژی شیعی سربداران الهام گرفته بود. او قبل از هر چیز به تعالیم معنوی و دنیوی خود پرداخت و

۱ - قیام مرعشیان، یعقوب آژند، ص ۴۴

گروهی از مردم مازندران را به گرد خود جمع کرد؛ و طولی نکشید که یکی از قدرتها و مراجع بزرگ روحانی این خطه سر سبز شد به گونه‌ای که می‌توانست در عرصه سیاست این منطقه، سرنوشت ساز و تعیین کننده باشد.^۱ در این زمان «کیا احمد جلال» پس از قتل «ملک فخرالدوله حسن» به حکومت ساری مشغول بود و نیز «کیا فخرالدین» هم در معیت او به سر می‌برد.

«کیا و شتاسف» نیز قلعه توجی را تحت سلطه خود داشت. این سه برادر به همدستی یکدیگر بر حکومت ساری مستولی شده بودند.^۲ این خاندان نتوانستند نفوذ روز افزون سیدقوام را تحمل کنند و از این بابت احساس خطر می‌کردند. بنابراین بایشدستی از زمینه قیام جلوگیری کردند.

سید را نزد خود طلبیدند، اما او از نیت پلیدشان آگاه شد و اطاعت نکرد در نتیجه جنگی در گرفت که دشمنان میرقوام آغازگر آن بوده خود نیز قربانی آن گردیدند.^۳

با پیروزی سید قوام حکومت مرعشیان در سرزمین خوبان شکل گرفت. مردم از قبل به عدالت و خوشرفتاری سادات در حکومت علویان آگاه بودند. باردیگر امید در دلشان زنده شد و شیعیان دوباره جان گرفتند. با گذشت قرن‌ها از رحلت پیغمبر اکرم (ص) باز حکومت شیعی به معنای راستین در آنجا پا گرفت و احکام نورانی اسلام ترویج شد و بار دیگر مظلومان امنیت یافتند و پس از این پیروزی مرعشیان به گسترش قلمرو

۱ - همان مدرک، ص ۵۶.

۲ - قیام مرعشیان، ص ۶۶.

۳ - همان مدرک، ص ۶۹.

حکومتشان پرداختند.

«دژ توجی - بین راه آمل و ساری - با وجود استقامت بسیار شدید» کیا و شتاسف جلال» و پسرش به دست «سید کمال الدین مرعشی» تسخیر شد.^۱

با سقوط قلعه توجی که در واقع کلید ساری بود، این شهر نیز به دست سادات افتاد.

سید کمال الدین دستور به مرمت و تعمیر شهر داد و برای تعمیرات دیگر از مردم کمک طلبید عده بسیاری برای این مهم گرد آمدند. سید کمال با حفر خندق در دور شهر ساری، آن را از نظر نظامی محکم ساخت و این کار نیز بر اثر مساعدت مردم در اندک مدتی انجام شد. پیرامون شهر را برج و بارو کشید و در درون قلعه هم کوشک سرا، خانه و عمارات عالی تأسیس کرد. او به رفاه عمومی توجه خاصی داشت، و برای آرامش و رفاه اهالی دستور داد تا اماکن عمومی نظیر حمام، چاههای آب و سایر عمارات ضروری ساخته شود.

سادات علوی به این صورت علاقه‌شان را در راه خدمت به خلق خدا نشان دادند.

آنان مردم را از صمیم دل دوست داشته و تلاش در حل مشکل مظلومات و دستگیری از بی‌کسان اولین گام مفید و پسندیده‌ترین شیوه‌ای بود که حاکمان دلسوز مرعشی انتخاب کردند در قرون گذشته هیچ یک از امرای محلی، توجهی به خواسته‌های مردم نداشتند و بیت‌المال مسلمین را صرف جنگ و جدال و از بین بردن رقیبان می‌کردند. آری مردم، تشنه محبت و دلسوزی بودند و سادات با اخلاق نیکو و اجرای عدالت، این نیاز

۱ - مازنداران و استرآباد، رابینو، ص ۲۰۱

راستین را عملاً پاسخ می‌گفتند. شهر ساری پذیرای بیان احکام اسلام شده بود. سید کمال‌الدین پس از تسخیر ساری و مضافات آن به ترویج عدل و داد و و امور شرعی پرداخت، و تعالیمش را گسترش داد و ساری را مرکز اشاعه تعالیم خود قرار داد.

برای تصدی امور شرعی و مشاغل دولتی افراد صالح را بکار گرفت و فسق و فجور و دشمنی را از این خطه برکند و با استقلال تمام به حکومت پرداخت.^۱



مسجد قدیمی فرح آباد - ساری

آشوب امیر تیمور

حکومت شیعی در مازندران، خار چشم ظالمان و معاندان بود و اقتدار و پشتوانه مردمی حکومت مرعشیان زنگ خطری برای حاکمان مناطق همجوار به شمار می‌رفت.

یکی از کسانی که در صدد براندازی حکومت مرعشیان برآمد امیر تیمور است. «امیر تیمور پس از فتح گرگان در سال ۷۹۲ ه‍.ق آماده پیشروی به سوی مازندران شد. چون بیشتر سرداران آن امیر، سنی‌مذهب بودند از این رو با شیعه‌کینه مذهبی داشتند، تیمور را در جنگ با سادات ترغیب می‌کردند.

سید کمال‌الدین، پسرش را نزد امیر فرستاد و به او پیغام داد که ما نوادگان پیغمبر در گوشه‌ای از جنگل، مردم این سامان را به دین اسلام و احکام شرع راهنمایی می‌کنیم.»^۱

اما خوش‌بینی سید کمال‌الدین نسبت به امیر تیمور بیجا بود. او کسی نبود که دل سنگش با این نصیحتها نرم گردد. عشق به ریاست و کشورگشایی، پایش را به دیار ساری کشانده بود. جایی که جنگهای خانمان‌سوز و کشتارهای فراوانی را به خوددید و عده زیادی قربانی هوسهای جاه‌طلبان قرار گرفت. «وساطتهای سید کمال‌الدین فایده نبخشید. موقعیت خاص مازندران مانع از پیشروی سپاه تیمور به سوی ساری بود. وی دستور داد تا گروهی کارگر با اره و تبر راه را برای پیشروی مهیا کنند.

سید کمال‌الدین نیز چاره‌ای جز جنگ ندید و خود را آماده نبرد با

۱ - تاریخ مازندران، اسماعیل مهجوری، ص ۲۹

متجاوزان نمود».^۱

با وجود عده‌ای اندک، آنان در جنگی خونین جمع زیادی از سپاهیان امیر تیمور را کشتند. اما سید کمال را دستگیر کرده و نزد تیمور آوردند. تیمور در آنجا وقیحانه و با صراحت گفت من نه تنها برای گرفتن مازندران آمده‌ام بلکه منظورم مخالفت با مذهبی است که در این نواحی پایه‌گذاری کرده‌اید. شما شیعیان به جانشینان پیغمبر (ص) ناسزا می‌گویید. او در جواب گفت: آنها با نیاکان ما دشمنی کردند و به ناروا جای ایشان را گرفتند. اما شما که ادعای مسلمانی دارید چرا دست به خون این همه مسلمان می‌آلایید و اموالشان را به غارت می‌برید؟^۲

براستی اسلام و شیعه در سایه حکومت مرعشیان، قدرت و جان تازه‌ای گرفت. زمانی که از اسلام جز نامی نبود مرعشیان با تمسک به اهل بیت عصمت (ع) به پیروزی نائل آمدند. و در سایه آن ارزشهای دینی احیا و مسلمانان امنیت جانی و مالی یافتند.

سرانجام تیمور و سپاهش وارد شهر ساری شدند و او عقده دیرینه‌اش را با ضربه شمشیر بر سر شیعیان باز نمود و زن و مرد و پیر و جوان را از دم تیغ و شمشیر گذراند.

«همراهان تیمور در ساری کشتار همگانی کردند. در شهر و روستاهای اطراف جز اندکی زنده نماند، مگر مردمی که به کوهستانها و جاهای دور دست گریختند. در این دیار ماتم‌زده چیزی از خوردنی نماند و خردسالان و سالخوردگان که نیروی گریز نداشتند از گرسنگی مردند»^۳

۱ - تاریخ مازندران، ص ۲۸

۲ - تاریخ مازندران، ص ۲۹

۳ - تاریخ مازندران، ص ۳۰

وجود سادات در شهر ساری خطر ساز بود و محبوبیت و نفوذ شان نزد مردم می توانست موقعیت تیموریان را متزلزل سازد. از این رو « تیمور، سادات را به دست گروهی سپرد و فرمان داد آنان را با کشتی از دریا و رود جیحون بگذرانند آنگاه در خشکی هریک را جداگانه و دور از هم به محلی بفرستند. بدین ترتیب هر یک از سادات ساری را به نقطه ای دور دست فرستادند.»^۱

با مرگ تیمور، سادات از تبعید بازگشتند و هنوز به ساری نرسیده بودند که پیروانشان از بخشهای مازندران دسته دسته به پیشوازشان رفتند و ایشان را با شادی و پایکوبی به ساری آوردند و در آنجا دوباره سکنی گزیدند و دوره دوم تاریخ خود را آغاز کردند.^۲

۱- همان

۲- قیام مرعشیان، ص ۱۱۰

فصل پنجم

بیداری

فتنه باب

یاران باطل در هر برهه‌ای خود را به گونه‌ای نشان داده، با هیاهو از فرصت به دست آمده عده‌ای را از سرچشمه زلال حقیقت دور و در منجلاب گمراهی و فساد غوطه ور می‌سازند.

بابیت و بهائیت در ایران نیز در ادامه سیاست استعمارگران، چون وهابیت در سرزمین حجاز شکل گرفت و اثر خود را نشان داد و پنجه‌هایش را بر بدن ضعیف جامعه اسلامی آن روز فرو برد.

میرزا علی محمد شیرازی در سال ۱۲۶۰ ه. ش. به دنبال مرگ شیخ احمد احسائی^۱ و سید کاظم رشتی^۲ (جانشین شیخ احمد) در جاده انحراف پیش رفت و با ادعای مهدویت عده معدودی به او گرویدند، ولی علما و جمعیت مسلمان به مبارزه با او برخاستند. پس از دو سال او را گرفته در

۱- شیخ احمد بن زین الدین احسائی مؤسس طریقه شیخیه که به دو اصل از اصول مسلم شیعه یعنی عدالت و معاد جسمانی معتقد نبود.

۲- وی شاگرد و مفسر اقوال شیخ احمد احسائی است.

قلعه چهریق آذربایجان زندانی کردند و در سال ۱۲۶۶ ه. ق. با فتوای علمای تبریز و به فرمان ناصرالدین شاه در شهر تبریز اعدامش کردند. واقعه میرزا علی محمد باب در شهرها و آبادی‌ها فتنه‌ها ایجاد نمود و یکی از آنها واقعه زیر است:

یکی از کسانی که به سید علی محمد باب ایمان آورد حاج ملا محمد علی نام داشت. بایه پس از رسوایی‌های فراوان و رانده شدن از دیگر شهرها، به دعوت حاج ملا محمد علی روی به استان سبز «مازندران» آوردند تا به زعم باطل خویش، در آنجا عده‌ای را گرد آورده، بر اصحاب و یارانشان بیفزایند. همینکه تبلیغات حاج ملا محمد علی در دعوت به مرام باییت به گوش سعید العلماء (یکی از مجتهدان مسلم و مشهور مازندران) رسید دست به کار شد و وضع را به حکمران مازندران گزارش داد. حکمران، نامبرده را تحت نظر مأموران به ساری آورد، و زیر نظر آقا میرزا محمد تقی کبیر - از مجتهدان و رئیس علمای ساری - قرار داد. حاج ملا محمد علی به دستور مجتهد مزبور، در ساری ۹۵ روز تحت نظر بود. عده‌ای از مردم بارفروش (بابل) گول سران این فرقه را خوردند و به باییت‌گرایش پیدا کردند. این حرکت گمراه‌کننده جماعت باییه، در شهر بارفروش خشم مردم ساری را برانگیخت. مردم متدین این شهر در پی فرصتی بودند که آنان را سخت گوشمالی دهند.

سعید العلماء با مشاهده این وضع، برای پیش‌گیری دست به کار شد. به دستور او، علما و اصناف در مسجد جمع شدند. عالم مجاهد، به منبر رفته، منظور نهایی و اهداف باییان را تشریح کرد. مردم با آگاهی بیشتر از انحراف فرقه باییه، در راه مبارزه با این گمراهی آشکار بسیج شده و خود را آماده نبردی مقدس نمودند. تا در راه دین محمدی جان و مال ناقابل

خویش را تقدیم سازند.

قبل از این، یک بار دیگر با بیان مورد حمله و سنگباران عده‌ای از مردم متدین مازندران قرار گرفته بودند. شدت این حمله به حدی بود که یاران فسق و فجور پراکنده شده، هرچه در چادرها بود به غنیمت مسلمانان درآمد.^۱

نبردی خونین در خارج شهر بارفروش، بین حق و باطل در گرفت. پس از کشتن و مجروح کردن عده زیادی از طرفین درگیر، بابیان گمراه به قلعه شیخ طبرسی پناه آوردند و آنجا را سنگر قرار دادند.^۲

چون این خبر، و دست درازی جماعت بایه در قتل و غارت، به گوش سران مازندران رسید، تصمیم گرفتند با عده‌ای مجهز قلعه را از وجود بابیان پاک سازند. آن عده به کنار قلعه رسیدند و به ساختن سنگر و کانال پرداختند. در جنگی که بین آنان درگرفت، عده زیادی کشته و مجروح شدند.

چون مدت محاصره بابیان به چهار ماه انجامیده و کار قلعه به پایان نرسید، ناصرالدین شاه^۳ نسبت به سرکردگان مازندران خشمگین شد و سلیمان خان افشار را با سپاه به مازندران فرستاد. سپاه به فرمان سلیمان خان گرد قلعه را گرفتند. آن‌گاه از سوی غرب و شرق قلعه نقب زدند و تا پنجاه ذرع پیش رفتند و در منتهای آن ظرف باروت نهاده آتش می‌زدند. آنها این کار را چند بار تکرار کردند، و در نتیجه برج و باروی قلعه را

۱ - فتنه باب، اعتضادالسلطنه، ص ۲۴۸

۲ - قلعه شیخ طبرسی آرامگاه شیخ احمد بن ابی طالب معروف به شیخ طبرسی که در قریه شیخ گلی در دو فرسخی جنوب شرقی بابل واقع است.

۳ - میرزا تقی خان امیرکبیر نیز از کسانی است که در رفع غائله بایه زحمات فراوانی کشید و با کفایتی تمام آن را خاتمه داد. فتنه باب، ص ۲۰۰

ویران کردند. آنگاه سپاهیان، دسته جمعی، با نواختن شیپور و طبل به سوی قلعه هجوم بردند، اما نتوانست کارساز باشد.

با ادامه این محاصره، وضع بایبان در قلعه روز به روز سخت تر شد. آنان از آذوقه و مواد غذایی هر آنچه در قلعه بود مصرف کردند. و خود را با گوشت اسب و پس از آن با علف و برگ درختانی که در دستشان بود سیر می کردند.

ادامه این وضع، کار را بر بایبان سخت نمود آنان چاره ای جز تسلیم خود نداشتند.^۱

حاج ملا محمد علی که پس از آزادی از زندان به بایبان قلعه پیوسته و در کنار آنان به کشتار بسیار دست زده بود، با دویست و چهارده نفر از جماعت باقیمانده بایبه به اردوی لشکر دولتی روانه شدند و خود را تسلیم نمودند.

سعیدالعلماء و دیگر عالمان بر قتل حاج ملا محمد علی و بزرگان بایبه فتوی دادند و گفتند بازگشت ایشان به اسلام مورد قبول نیست و همه آنها گردن زده شدند. در این فتنه هزار و پانصد نفر از جماعت بایبه به هلاکت رسیدند.^۲

بیداری ملت

انقلاب مشروطیت، از بزرگترین وقایعی بود که تا آن زمان در تاریخ ایران روی داد و به بالاترین تحول را در شئون سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. این حرکت، حکومت استبدادی را که تا آن

۱ - تاریخ مازندران، اسماعیل مهجوری، ص ۱۷۵

۲ - فتنه باب، اعتضادالسلطنه، ص ۵۹

دوران در ایران فرمانروایی می‌کرد و ازگون کرد و به شهادت تاریخ، در این نهضت استبدادی، روحانیان انقلابی و متعهد چون دیگر جنبشها و نهضتهای اسلامی در پیشبرد آن نقش عمده‌ای ایفا کردند و در صف مقدم جبهه قرار گرفتند و با پشتیبانی طبقات مختلف انقلاب به ثمر رسید.

عالمانی چون آیه‌الله محمد کاظم آخوند خراسانی و آیه‌الله شیخ عبدالله مازندرانی و آیه‌الله میرزا حسین تهرانی از حوزه علمیه نجف و آیه‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیه‌الله سید محمد طباطبایی و آیه‌الله شهید شیخ فضل الله نوری از تهران این انقلاب را رهبری می‌کردند. با این پیروزی تاریخی، مقدرات کشور به مردم سپرده شد و آزادی و عدالتی که آرزوی دیرینه همگان بود تحقق یافت.

هم آواز

فریاد آزادیخواهان سینه‌گسترده طبیعت را پشت سر نهاد و با عبور از کوههای سبز شمال، سکوت دریای خزر نیز شکسته شد. و جملگی ملت بیدار هم آواز گشتند.

با پیروزی مشروطه‌خواهان در بیشتر شهرهای ایران، از جمله شهر ساری، جنب و جوشی پدید آمد و هر کس به نوعی سعی در مشارکت در این نهضت ضد استبدادی را داشت. این جنبش اسلامی چنان در ساری فراگیر شد که زنان و کودکان نیز خود را در آن سهیم دانستند، به طوری که پس از مدتی، انجمنهای متعددی - حتی برای خردسالان - پدید آمد.

در اواخر سال ۱۳۲۴ و آغاز سال ۱۳۲۵ ه. ق. در ساری دو انجمن تشکیل شد، یکی انجمن سعادت و دیگری انجمن حقیقت^۱ انجمن

سعادت را آقا شیخ غلامعلی مجتهد تأسیس کرده و معاونش علی بهروزی یکی از روحانیون بود. محل انجمن اتاقهای جنب صحن مقبره امامزاده یحیی قرار داشت.

«اعضای انجمن همه اصناف و بازاریان بودند. علی بهروزی در اجتماعات اعضا - که بیش از هزار نفر بودند - اهداف مشروطه را برای مردم تشریح می نمود و افکار عمومی را روشن می کرد.»^۱

وجود تشکیلات منسجم و آرمان خواه در هر کاری رمز موفقیت در رسیدن به اهداف مورد نظر است. انجمنهای مردمی در نهضت مشروطه وظیفه سر و سامان دادن و هدایت حرکتهای مردمی را عهده دار بودند. از آنجایی که زیر بنای فکر مشروطیت، اسلام بود و رهبری آن را روحانیان دلسوز و انقلابی به عهد داشتند، در رأس این تشکیلات و انجمن ها نیز غالباً روحانی قرار داشت تا اعضای آن در گیرودار حوادث با خلأ فکری مواجه نشوند و اهداف مقدس مشروطه طلبان باز یچۀ دست روشنفکران غرب زده قرار نگیرد، مشروطه خواهان ساری با تأسیس انجمن در آن دیار می رفتند که به اهدافشان دست یابند. اما افسوس که اینگونه نشد.

چنین به نظر می آید که دو انجمن سعادت و حقیقت به رغم مشارکت هر یک در نهضت مشروطیت با هم توافق فکری نداشتند. وجود دو جریان فکری مشروعه خواه و مشروطه طلب، شکافی عمیق در صف بانیان این نهضت ایجاد نمود، که بیشترین سود را روشنفکران روسیاه و غرب زده و استعمارگران بردند و نهضت را از اهدافش دور ساختند و در پی آن اندوهی جانکاه بر دل آزاد یخواهان انداختند.

وکالت مجلس

در نظام مشروطه اختیارات شاه محدود و مجلس شورای ملی در تصمیم‌گیری‌ها نقش مؤثری داشت. امید قانونی مشروطه‌خواهان مجلس شورا بود که قوانین را وضع می‌کرد و به اوضاع آشفته کشور سر و سامان می‌داد.

«برای انتخاب نمایندگان مجلس و تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی، تلگرافی به ساری ارسال شد تا انتخابات انجام گیرد. اما در ساری وضعی پیش آمد که دستور مرکز به تأخیر افتاد و پس از چندی، مردم اجتماع نموده و عده‌ای را به نظارت انتخاب کردند؛ و در خانه آقا شیخ علی اکبر طبری مجتهد، انجمن نظارت تشکیل شد، آقای شیخ غلامعلی مجتهد در آن جلسه ریاست داشت.

در نتیجه آقایان سید عباس شریف العلما خاوری و معتصم الملک، به وکالت ساری تعیین و به تهران رفتند ولی چون دیر رسیدند به مجلس معرفی نشدند.»^۱

جنگلیان

در دومین سال جنگ بین‌الملل اول، وقایعی در گیلان رخ داد که به نهضت جنگل معروف گشت. رهبری این نهضت را میرزا کوچک خان بر عهده داشت، میرزا، روحانی جوان و انقلابی، بر ضد نابسامانی موجود، و نجات مملکت از نفوذ بیگانگان نهضتی آغاز کرد که تا آن روز با آن وسعت و ابعاد کم سابقه بود

۱ - تاریخ مازندران، ص ۲۳۰

«وی هیچگاه واجباتش ترک نمی‌شد و از نماز و روزه قصور نمی‌کرد. در بین نماز، آیات «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» و «ولا تحسبن الدّین قتلوا فی سبیل الله» را زمزمه می‌کرد.^۱

جنگلی‌ها مصمم بودند مادام که به هدفشان نرسیده و موفق به اخراج نیروی بیگانه نشده‌اند، به آرایش سرو صورت نپردازند. صفت ممیزه جنگلی‌ها، همت، شجاعت و جانبازی بود. تنها اندیشه آنان این بود که چگونه می‌توانند به آزادی ملت و مردم خدمت کنند و در تأمین آسایش هموطنانشان بکوشند.

سواحل شمالی ایران میدان تبلیغاتی جنگلی‌ها بود و سپاه جنگل، برای توسعه قلمرو حکومت خود به سرپرستی سعدالله خان درویش کجوری و قدرت الله خان رشتی، برای تصرف بخشی از مازندران با قایق به آن استان وارد و در ساحل بابل پیاده شدند. آنها «مخاطب السلطان رفیعی» فرماندار بابل را دستگیر کردند و او را به کشتی بردند. نظامیان شهرستان بابل، پس از شنیدن این خبر وحشت‌زده به طرف ساری عقب‌نشینی کردند. سپاه جنگل به سوی ساری به حرکت درآمد. مردم ساری که از برخورد جنگلیان بی‌خبر بودند و شناخت کاملی از آنان نداشتند به هراس افتادند.

شخصی از طرف حکومت به سعدالله خان پیام داد که ارتش ایران نیرومند است، بهتر است که مازندران را نادیده گرفته به سوی رشت برگردید؛ ولی سعدالله خان جواب مساعدی نداد. در ملاقاتی که سعدالله خان با یکی از فرستادگان مردم ساری داشت، وی اظهار داشت که منظور جنگلی‌ها چپاول و کشتار نیست و قصد آزار و اذیت اهالی ساری را

۱ - نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۲، ص ۷۷

ندارند. از این رو مردم به سپاه جنگل خوشبین و آماده استقبال از میهمانان گیلانی شدند.

گروهی از جنگلیان برای تصرف ساری، در یک کیلومتری و قسمت غربی شهر، کمی دورتر از مقبره شاهزاده حسین در لابلای درختان سنگر گرفتند و گاه گاه به سوی شهر تیراندازی می کردند. آنها چون از عقب نشینی نظامیان با خبر بودند و از مردم نیز ایستادگی ندیدند، با احتیاط کامل روانه شهر شدند. مردم ساری وقتی از مقاصد مقدس جنگلیان آگاه شدند، به استقبال سپاه جنگل شتافتند. از جمله «سید محمد علیخان» پزشک و عده‌ای از افراد معروف و نیکوکار، با پرچم پیروزی به پیشواز رفتند. دکتر نصرالله نادری (پزشکی که آن موقع مدیر دبیرستان ملی ساری بود) دانش آموزان را آماده استقبال از مبارزان نمود. جنگلی‌ها در حوزه مازندران به کسی آزار نرسانیدند و دیناری به زور و چپاول نگرفتند و پس از مدتی، به رشت بازگشتند.^۱

نهضت ملی مازندران

در بحبوحه جنگ دوم جهانی، شهرهای شمالی ایران وضع آشفته‌ای داشت. حضور بیگانگان در خاک ایران، و ضعف دولت مرکزی، هرج و مرج بیشتری را به دنبال داشت. امنیت و آسایش فردی و اجتماعی در مازندران و همه خاک ایران سلب گردید و قتل و غارت و شرارت منطقه را به هم ریخت.

مردم دلیر مازندران، از دیرباز آرزوی امنیت کشور و حاکمیت عدالتی را داشتند که حافظ جان و مال و ناموس آنان باشد.

در همان موقع، عده‌ای از سرکردگان با نفوذ این سامان، فریاد عصیان سر داده نسبت به ارکان دولت شیوه ناسازگاری پیش گرفتند.

آنان با مشاهده این وضع، بر آن شدند که مازندران را به طور موقت اداره کنند، آنها معتقد بودند که طبق قانون اساسی، هر استان باید زیر نظر ساکنان آن اداره شود؛ ولی در سیاست کشوری تابع پایتخت باشد، آنان در این ناحیه از کشور «نهضت ملی مازندران» را بوجود آوردند و انجمنی هم به نام «انجمن طبرستان» تشکیل یافت که عالمانی چون آقایان سید عباس شریف العلما خاوری و حاج میرزا غلامحسین ملکی و سید میرزا علی عمادی و دیگر بزرگان ساری و برخی از سران و بازرگانان زبده شهرهای دیگر مازندران در آن شرکت داشتند. مهدی شهیدی دبیر و شیخ علی اکبر طبری رئیس آن انجمن بودند.

از تلگرافی که انجمن به مازندرانیه‌های مقیم تهران ارسال نموده است، بعضی از اهداف ایشان آشکار می‌شود. در این تلگراف چنین آمده است: کشور ایران از حالت رقت خیز و اسف باری که دارد دچار هزاران مشکل

مهلک گردیده است. در این موقعیت خطیر اتفاق و اتحاد عمومی می تواند چاره ساز باشد. این اتحاد منظوری جز خدمت و اجرای قوانین و جلوگیری از تعدیات ندارد. اهالی مازندران با یک اتحاد صمیمی به نام اتحاد ملی طبرستان دور هم، چنین اهدافی را دنبال دارند.^۱

حوادث

رویدادهای طبیعی چون زلزله، سیل و توفان با اینکه خسارات ناگوار مالی و جانی در پی دارد و آدمی با ترس و دلهره از آن، می گریزد در دیده مردان پاک الهی آینه عبرت و وسیله امتحان است. این حوادث تلخ، زنگ بیدار باش و درس عبرتی برای گناهکاران است، که از دلبستگی به دنیا و غوطه ور شدن در آن پرهیزند و به کارهایشان رنگ الهی دهند. شهر ساری نیز چون دیگر شهرها، از حوادث طبیعی دور نمانده است؛

زلزله ۱۲۲۳ ه. ق. این زلزله در مازندران به اندازه ای شدید بود که اکثر بناهای شهری و روستایی فرو ریختند و آثاری از آن باقی نماند.^۲

زلزله ۱۳۱۴: دو ساعت بعد از نیمه شب دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۱۴ ه. ش. زلزله شدیدی در چهار دانگه هزار جریب روی داد که دامنه آن به همه مازندران تاکناره دریا امتداد یافت و قسمتی از آبادیهای آن و دهکده های اطراف که در مرکز زلزله واقع بودند همه ویران شدند و بسیاری از ساکنان آنها زیر آوار ماندند. این زلزله در ساری و اطراف آن شدت داشت ولی خسارت چندانی به بار نیاورد. مردم شهرها، مدتی دست

۱- تاریخ مازندران، ص ۲۹۳

از خانه کشیده به باغها پناه برده بودند.^۱

زلزله ۱۳۳۶: حدود ساعت ۴ بعد از نیمه شب سه شنبه ۱۱ تیر ۱۳۳۶ زلزله شدیدی در مازندران آمد که مرکز آن لاریجان بود. این زلزله نیز تمام مازندران را به لرزه در آورد. تعداد زیادی از آبادیهای بند پی و روستاهای لاریجان ویران گردید. اما به شهر ساری آسیبی نرساند.^۲ آتش سوزی: چون سقف ساختمانهای قدیمی مازندران از چوب ساخته شده بود، کوچک ترین جرقه یا اندک اشتعالی موجب آتش سوزی می شد. به همین سبب شهرهای مازندران از جمله ساری، بارها دچار آتش سوزیهای بزرگ شده است.^۳

کشف حجاب

اسلام بر حجاب و پوشش زن تأکید ورزیده و آن را لازم و واجب دانسته است. نه تنها اسلام بلکه در ادیان دیگر نیز حجاب از اهمیت بالایی برخوردار است.

باروی کار آمدن رضا شاه، منصبهای کلیدی کشور به کسانی واگذار شد که ترک فرهنگ مذهب سنتی و رواج فرهنگ غربی را مهمترین راه پیشرفت کشور می دانستند. گویا کشور عقب افتاده و استعمارزده ایران هیچ مشکلی جز حجاب و پوشیدگی زنان نداشت که رضا شاه خواست با این کار موانع ترقی را از سر راه خود بردارد.

سفر آن مأمور استعمار به ترکیه در سال ۱۳۱۳، اثر عمیقی بر نگرش او نسبت به میزان عقب ماندگی ایرانیان از ترکان داشت. به طوری که از آن

۱- تاریخ مازندران، ص ۳۷۰.

۲ و ۳- همان

پس ترکیه الگوی پیشرفت تلقی شد.

در پی این مقصود اقدامات وسیع تبلیغاتی به منظور آماده سازی افکار عمومی برای کشف حجاب انجام شد. در این میان شهرهای شمالی ایران در کنار دریای خزر به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و طبیعی از اولین شهرهایی بود که مورد توجه رضاشاه قرار گرفت. فضای سرسبز ناحیه کنار دریا، زیبایی خاص به این استان بخشیده است به طوری که شهرهای ساحلی از مراکز توریستی در این استان به شمار می آید و در فصل بهار و تابستان از همه نقاط ایران زن و مرد به این نقطه فرح بخش سفر کرده از این نعمت خداداد استفاده می کنند.

از نظر آنها چنین محیطی می توانست زمینه ساز اقدامات ضد دینی و ضد ارزشی باشد. بعلاوه موفقیت وی در کشف حجاب در این ناحیه او را در اقدامات بعدی جسورتر می ساخت. در پی این هدف نامیمون حاکم مازندران چون دیگر استانهای کشور، از تسهیلات لازم در امر مبارزه با حجاب برخوردار گردید. زنان بی حجاب تشویق و اعتراض کنندگان تهدید و یا تبعید شدند.

مزدوران رژیم در اجرای فرامین رضا خان از چیزی فروگذار نکردند، با سعی و اهتمام، جلسات جشن به طور پیوسته برقرار و در این راه ادارات دولتی پیشقدم بودند. رژیم از مخالفت مردمی و پیامدهای ناگوار آن که روحانیان جلودارش باشند آگاه بود، ازاین رو از صاحبان محضرها و سردفتران عقد و ازدواج دعوت به عمل آورد و در جلسات توجیهی به آنان تأکید کرد که از مخالفت با تصمیم شاه بپرهیزند. تا دیگر اقشار نیز اطاعت کرده، دست از لجاجت بردارند و تسلیم خواسته نامشروع مأموران شوند.

در حمایت از این طرح ضد دینی تا جایی پیش رفتند که تقاضا شد موجودی اعانات به زلزله‌زدگان مازندران، در اختیار زنان بی‌بضاعت و فقیر برای اجرای این توطئه شوم قرار گیرد.

در تلگرافی از ساری به ریاست وزرا در ۱۴ آذر ۱۳۱۵ چنین آمده است: «عطف به امریه شفاهی راجع به ملبوس نسوان فقیر و بی‌بضاعت، متمنی است اجازه فرمایید مبلغ ۶۵۱۲ ریال بابت موجودی اعانات به زلزله‌زدگان مازندران که فعلاً در مالیه ساری موجود است و حسب‌الامر قرار است به جمعیت شیر و خورشید سرخ ساری پرداخت شود، برای تهیه ملبوس نسوان فقیر اختصاص، که تحت نظر انجمن شهرداری و جمعیت مزبور اقدام شود.»^۱

پوشش زن نه تنها به حکم اسلام، که نزد هر عقل سلیم و پاکی پسندیده و ضروری است. حجاب راه سعادت برای زنان، و ضامن سلامت جامعه از فساد است.

زنان، مردان و صاحبان اندیشه، در این سرزمین با رهبری روحانیان دلسوز، از حریم عفت و پاکدامنی جانانه دفاع کرده راضی به پذیرش تمدن غرب به دست رضاخان نشدند. مخالفت‌های مردمی تا جایی بود که از مأموران جزء و زیردست کاری ساخته نبود، و مقامات سطح بالا خود به طور مستقیم مبادرت به برخورد با متمردان می‌کردند.

یکی از حاکمان مازندران در تلگرافی به ریاست وزرا می‌نویسد:

«... از بدو ورود تاکنون همیشه مراقب این کار بوده و به اقدامات مأمورین تنها اکتفا نکرده خود شخصاً هنگام ایاب و ذهاب در حوزه مأموریت خود به غابرین اخطار نموده و به این ترتیب باز زنهایی دیده

می‌شدند که دست از عادت قدیم خود برنداشته و با چادر نماز عبور و مرور می‌نمودند ناچار چادر آنها را گرفته و ضبط شد. اخیراً هم بر حسب پیشنهاد شهربانی موافقت نمودم آنها را به شهرداری‌ها تحویل و به مصرف پیراهن اشخاص بی‌بضاعت برسانند. همین طور از استعمال چارقده (روسری) به طور کلی ممانعت شد، با وجود این مجدداً نیز به مأمورین تأکید شد. خود بنده هم کمال مراقبت را داشته و خواهد داشت.»^۱

آری بدینگونه رهاورد نامیمون رضا خان، در شهر ساری با شکست مواجه شد، و جز عدهٔ خیلی از مأموران ترسو و مزدبگیر که ادامهٔ حیاتشان در گرو اطاعت از دستورهای شاه بود، قاطبهٔ مردم مسلمان تن به این ننگ بزرگ ندادند و جانانه در راه حفظ پاکی و شرافت ایستاده، از زور و سرنیزه نهراسیدند. و سیمای عفاف و پاکدامنی را به ناپاکان و نااهلان نشان دادند.

فصل ششم

لبخند پیروزی

گل بوته عشق

گل بوته عشق در فصل خزان زده رژیم تبهکار پهلوی شکفتن آغاز نمود.

امام خمینی رهبر انقلاب کلام الهی را بر زبان جاری ساخت. کلامی که گوشهای منتظر رانوازش داد و انقلابی به پا ساخت. انقلاب اسلامی بزودی سرتاسر خاک ایران - از جمله خطه سبز شمال و شهر ساری - را فرا گرفت.

آغاز این انقلاب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود. در شب آن روز، حمله وحشیانه دژخیمان پهلوی به سنگر و دژ محکم روحانیت آغاز شد. این حمله به تلافی مخالفت و مبارزه سرسختانه و پیگیر روحانیان علیه لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی - که در مهر ماه ۱۳۴۱ در هیأت دولت اسدالله علم به تصویب رسید - و علیه لوایح ششگانه به اصطلاح انقلاب سفید و به تلافی نطق تاریخی امام خمینی در روز عاشورا، انجام گرفت. این مبارزه مقدس با رهبری حکیمانه امام به سال ۱۳۵۶ به اوج رسید.

خشم انقلابی مردم چون لهی بی سوزنده بر جان ناپاکان فروریخت و رژیم را در شعله‌های خود سوزاند.

اهالی قهرمان ساری نیز در تبعیت از رهبرشان، از خانه‌ها بیرون ریخته و فوج فوج دست به اعتراض زدند.

شهر ساری را می‌توان از جمله شهرهای پرجنب‌وجوش و پرهیاهو علیه رژیم منفور پهلوی نام برد.

در تمام روزها و شب‌ها تظاهرات چون توفانی عظیم ادامه و همه اقشار مردم شرکت داشتند.

در این‌جا مناسب است به گوشه‌ای از وقایع خونین و حوادث انقلابی این شهر اشاره کنیم.

«۱۶ مهرماه گروه کثیری از دانش آموزان پسر و دختر این شهر که سربازان واقعی امام بودند، همچون آهنی تفتیده و پرصلابت و بدون ترس از آتش گلوله‌ها به خیابانها ریختند. با مشت‌های گره کرده نغمه زیبای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» را در فضای پلیسی آن شهر، با شهادت سر دادند. مأموران رژیم که از حضور این همه دانش آموز در خیابانهای شهر بیمناک شده بودند، با گاز اشک‌آور و ماشین آب‌پاش راهپیمایان را متفرق ساختند.

معلمان و دبیران متدین و انقلابی نقش مؤثری در برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها داشتند. این حرکت فرهنگیان، طلعه زیبایی در حرکت دیگر اقشار داشت. مبارزات رهبران مذهبی و اقشار متدین جامعه، با ظاهری سیاسی از پشتوانه محکم فرهنگی برخوردار بود.

مأموران طاغوت عده‌ای از دبیران مؤثر در این تظاهرات را دستگیر کردند. در پی آن مدیرکل آموزش و پرورش استان مازندران که جوش و

خروش انقلابی دانش‌آموزان را مشاهده کرد، تجمع آنان را در مدارس دبیرستان‌ها خطر ساز دانست. به دستور وی دبیرستان جامع این شهر تعطیل شد و دانش‌آموزان این دبیرستان خواهان آزادی دبیران و دانش‌آموزان دستگیر شده در تظاهرات اخیر شاهی (قائم شهر)، آزادی یک دبیر زندانی، آزادی بیان در مدارس و برکناری منصور کردستانی رئیس دبیرستان شدند.^۱

از اولین ساعات بامداد روز ۱۱ آبان، عده زیادی از گروه‌های مختلف مردم که روحانیان مبارز جلو دارشان بودند منسجم و آرام دست به تظاهرات زدند. در حوالی ساعت ۱۰ صبح، بین پلیس و راهپیمایان درگیری روی داد که به سبب تیراندازی مأموران، پنج نفر از راست‌قامتان ایمان، لباس گرانمایه شهادت به تن کردند و در آسمان سرخ شهادت به پرواز در آمدند. در این درگیری خیابانی که تا ساعت ۶/۳۰ عصر ادامه داشت ۲۸ نفر مجروح شدند.^۲

در آن برهه که تضعیف رژیم در ابعاد سیاسی اقتصادی ای بسا نظام سمتهای را در سرایشی سقوط قرار می‌داد. اعتصاب و دست‌کشیدن از کار در اعتراض به کشتارهای بی‌رحمانه راهی مناسب بود. لذا روز ۱۳ آبان به جز مغازه‌های نانوائی و قصابی و خواربارفروشی، تمام مغازه‌های شهر و کارخانجات تعطیل شد.^۳

سیاه‌کاران رژیم تبهکار، برای نشان دادن پشتوانه مردمی خود، عده‌ای را برای مقابله با مردم اجیر کرده با چوب و چماق در شهر به راه انداختند

۱ - حماسه‌های اسلامی ملت، ولی‌الله فوزی، ص ۳۲۳

۲ - همان مدرک، ص ۳۲۳

۳ - همان مدرک، ص ۳۲۳

اما هیچ چیز نتوانست بیداردلان را از هدف پاک خود بازدارد. جان بر کفان کوی خمینی با مزدوران چماق به دست مقابله کردند. مأموران حکومتی که شکست اجیربگیران را نزدیک دیدند، به سوی راهیان نور آتش گشوده در این درگیری بیش از بیست نفر به شهادت رسیدند؛ پس از این مبارزه قهرمانانه، شهر ساری در عزای بهترین عزیزان به ماتم نشست و به مدت سه روز عزای عمومی اعلام شد.

گروهی از مردم به دنبال این حرکت دستگیر شدند. در پی این بازداشت‌های پیاپی، فرهنگیان ساری و گروه‌های دیگر مردم که با آنان اعلام همبستگی کرده بودند، در اداره آموزش و پرورش متحصن شدند. این تحصن بیست روز ادامه پیدا کرد و همزمان با آن، گروه‌های مختلف مردم و قضات دادگستری به تحصن که در آن موقعیت نوعی مبارزه آرام تلقی می‌شد نشستند تا مظلومیت قربانیان، به این طریق به گوش آحاد ملت برسد.

با اینکه پس از این تحصن طولانی، چند روزی تظاهرات خیابانی متوقف شد، اما در تکایا و مساجد، سخنرانی‌ها ادامه داشت. اما چیزی نگذشت که تظاهرات مردم شدت بیشتری یافت.

مزدوران حکومت به هر وسیله نامقدس دست یازیدند تا طلایه‌داران آزادی را خرابکار و آشوبگر نشان دهند. در روزهای نهم و دهم دی‌ماه تعدادی از مغازه‌ها و منازل، توسط عوامل دولت به آتش کشیده شد و شیشه بانک‌ها را شکستند و ۵ مغازه در مقابل مسجد جامع طعمه حریق شد. در این روز کلیه مغازه‌ها، بانک‌ها و اغلب ادارات بصورت تعطیل درآمد.^۱

اوج قیام

بیدار دلان این شهر با استفاده از فرصتها ضربات محکمی بر پیکر پوسیدهٔ رژیم وارد آوردند. «در تظاهرات ۱۳ دی ماه، جوان ۲۱ ساله‌ای به نام محمد تقی چمنی بر اثر ضربات باتون مأموران امنیتی به شهادت رسید. مردم طی مراسم باشکوهی پیکر پاک وی را تشییع و دفن نموده پس از آن، تظاهرات وسیع دیگری برگزار شد.»^۱ دو روز بعد تظاهرات عظیمی با شرکت هزاران نفر براه افتاد که بر اثر تیراندازی مأموران عده‌ای مجروح شدند.^۲

در اعتراض به خونریزیهای بی‌رحمانه، روز ۱۸ دی ماه عزای عمومی اعلام و تظاهرات وسیعی انجام گرفت. این راهپیمایی با دخالت مأموران به خشونت کشیده شد. در منطقهٔ دروازه گرگان، بر اثر تیراندازی، بیش از ۱۲ نفر شهید و عده‌ای مجروح شدند. عسگری توفیقی نجار و عابدین پور دو تن از شهیدان آن واقعه غمناک بودند.

مردم شهیدپرور بلافاصله پیکر یکی از شهیدان غرق به خون را در حالی که سرش بر اثر اصابت گلوله خضاب خون گرفته بود به مسجد جامع برده. و با خون او و دیگر شهیدان تجدید میثاق کردند. ۲۲ دی ماه، مردم ساری با حضور خود در جمع ارتشیان به آنان گل هدیه دادند. و با مهربانی با آنان سخن گفتند. سربازان و دیگر ارتشیان در بند رژیم احساس کردند که عنصری بیگانه و جدای از ملت مسلمان نیستند. از این رو در پی فرصتی بودند که از پادگانها فرار کرده و به صف متحد ملت پیوندند. ۲۶ دی ماه (روز فرار شاه) مردم ساری به خیابانها ریخته شادی کنان به

هم تبریک گفتند و در انتظار خورشید انقلاب بودند تا با طلوع در آسمان ایران زمین از تابش آن نیرو و نشاط گیرند. در ۱۲ بهمن امام خمینی پس از ۱۵ سال تبعید به ایران اسلامی بازگشت و مردم ساری چون دیگر شیفگان ورودش را جشن گرفتند. بیست و دو روز از بهمن سال ۱۳۵۷ گذشت. برای منتظران و چشم بیداران لحظه فراموش نشدنی فرا رسید عاشقان بی قرار، ۲۲ بهمن را در آغوش گرم فشردند فریاد پیروزی و صدای شادی و سرور در آسمان شهر ساری پیچید و خسته دلان احساس آرامش کردند. و با احساس مسئولیت در مقابل این پیروزی و در برابر خون شهیدان نوای آزادی سر دادند.

مسئولیتی که هنوز سنگینی آن را بر دوش خود احساس می کنند.

در یادلان بسیجی

با پیروزی انقلاب اسلامی، توطئه ها و نقشه های دشمن در سرکوب حق جویان و شیفگان آزادی و عدالت، دامنہ دار شد.

جنگ ناخواسته ای به ملت ایران تحمیل گردید. اما این، آزمایش الهی بود که یاران سپیده سرفراز از آن بیرون آیند.

بسیجیان ساری، این رهپویان عشق، چون دیگر یاران دفاع مقدس به ندای ملکوتی رهبرشان «خمینی کبیر» لبیک گفته و در راه آرمان های بلند انقلاب و حیثیت دینی، جان و مال نشناخته، به وادی نور شتافتند.

راست قامتان این دیار چون کوه با صلابت در برابر خصم زبون ایستاده و به حق جلوه تمام نمای ایشار گشتند، در یادلانی که با حضور مستمرشان در میادین نبرد گل سر سبد باغ ساری شدند.



رهپویان عشق

در این میان مشتاقانِ سرای ابدی، بی آرام و قرار، بانگاه به افق سرخ
شهادت به بهشت جاویدان می‌اندیشند تا بر سفره انعام هم قطاران قرار
گیرند و از باران الطاف الهی بهره جویند. سرانجام در این معامله پرسود،
خدا خریدار جانشان شد و مدال پر افتخار شهادت نصیبشان گشت.
نگاهی به کارنامه درخشان رهپویان عشق ما را در پیمودن راهشان
یاری می‌کند.

شهید ایرج سورکی آزاد؛

زندگی کوتاه اما پر بار این شهید آمیخته با مبارزه و تلاش در راه ایمان

بود. او که لحظه‌ای آرام نداشت به سال ۱۳۵۴ تحت مراقبت شدید ساواک قرار گرفت و چندین بار به سازمان امنیت احضار شد. با قبولی در رشته مکانیک دانشگاه علم و صنعت، مبارزات دانشجویی وی شتاب گرفت. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله (شهدا) پایش مورد اصابت گلوله قرار گرفت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در نبرد با گروهکهای ملحد و منافق و مشارکت در تشکیل کمیته مردمی حراست از دستاوردهای انقلاب و فعالیت در ارگانهای انقلابی، تلاشهای فراوانی نمود. با شروع جنگ تحمیلی عراق عاشقانه به میدان مبارزه شتافت و در ۶۲/۱/۲۲ به جمع شهیدان پیوست.

در بخشی از وصیت نامه‌اش اینچنین آمده است:

«... بشر با وجود تضاد فراوان مادی و معنوی ملزم به رعایت قوانین حقّه جهان هستی است. این مهم با وارستگی از غیر خدا لذتبخش و آسایش آفرین است... باید فرزندم محمد علی در آغوش ایمان پرورش یابد... و اوست که باید با اندیشه پاک و راستین از عقیده پدر حراست کند...»

شهید سید منصور نبوی؛

این شهید گرانقدر متولد روستای «هولار» پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی لباس مقدس پاسداری به تن نمود و بارها دواطلبانه به جبهه اسلام شتافت. سرانجام در ۱۳۶۶/۱/۲۰ در عملیات کربلای ۸ به درجه رفیع شهادت نایل شد.

شهید سید علی دوامی؛

سردار دلاوری از خانواده گرم و صمیمی سپاه پاسداران و فرماندهی

گردان مسلم از لشکر ۲۵ کربلا را به عهده داشت. شجاعت در میدان نبرد و مهر و محبت با بسیجیان ممتازش کرده، همه او را دوست داشتند. این فرمانده نامدار سپاه اسلام در ۱۳۶۷/۲/۱۸ به هنگام نبرد با دشمن خون آشام در کربلای شلمچه، پاره های خمپاره را در آغوش فشرد و خونین بال به پرواز درآمد.

شهید قربانعلی رنجبر؛

در سایه عبادت آرام می گرفت و به جهاد فی سبیل الله عشق می ورزید. از این رو به لباس پر ارج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. حقانیت لباس سبزش را با خون سرخ امضا نمود او می دانست دستیابی به فیض شهادت رنج فراوان دارد لذا از تلاش در راه خدا باز نایستاد و پس از بارها اعزام به جبهه در ۶۶/۴/۱ در جبهه ماووت به شهادت رسید.

شهید علیرضا نوری؛

علاقه این پاسدار اسلام به کانون خانواده او را پایبند زندگی دنیا نکرد و با حضورش در جبهه ها زندگی و سرای آخرت را طلبید. حماسه و دلاوریهای آن سرباز رشید را بسیجیان ساری به یاد دارند سرانجام در ۱۳۶۵/۱۱/۹ در منطقه شلمچه به شهادت رسید.

فصل هفتم

امامزادگان

سرمایه‌های ایمان

سرزمین ساری امامزادگان و بزرگانی از قبیله نور را در دل خود جای داده است که در اینجا به اختصار با این سرمایه‌های ایمان، یادگاران و سالکان راه پیامبر اسلام آشنا می‌شویم:

* امامزاده یحیی

این بارگاه که در مرکز شهر ساری وجود دارد متعلق به قرن نهم هجری و معروف به مدفن سه تن از امامزادگان، به نامهای یحیی بن موسی الکاظم (ع)، برادرش حسین بن موسی و خواهرشان سکینه است. نقل شده که این بزرگواران پس از شهادت امام رضا - علیه السلام - هنگامی که سادات رهسپار خراسان بودند، در حمله کارگزاران خلیفه به آنان، این سه امامزاده به مازندران پناه برده و در ساری به شهادت می‌رسند. گنبدی که بر مرقد این امامزادگان ساخته‌اند برجی آجری است که بدنه آن چند ضلعی و سقف آن هرمی شکل است، و ۲۰ متر ارتفاع دارد که دارای ۲ متر بلندی بوده و هر لنگه دارای ۰/۷

پهناست.^۱

* سید زین العابدین

در برابر گنبد امامزاده یحیی به فاصله چند متر، گنبد دیگری قرار دارد که بدنه آن مکعب مستطیل است و از بالا هشت ضلعی با چهار گوشواره و بام آن هرم هشت ضلعی است. در ورودی این گنبد، مفقود گشته و به جای آن در آهنی کار گذاشته شده است.

بر سطح فوقانی دیواره در نوشته شده است «سید زین العابدین بن سید کمال الدین». این سید و برادرش امیر شمس الدین از فرمانروایان سده نهم هجری مازندران و نواده میر کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی است. در داخل گنبد عده ای از سادات مرعشی از قبیل میر زین العابدین و میر شمس الدین و بعضی از فرزندان و نزدیکانشان مدفون هستند. بیش از نیمی از ضریح چوبی این بارگاه به علت آتش سوزی قدیم - که از چراغها یا شمعهای نیم سوخته روی داده بود - سوخت و از بین رفت. و ضریح باقی مانده دارای سور قرآن است.^۲

* امامزاده عباس

بارگاه امامزاده عباس، در وسط قبرستان قریه آزادگله - پنج کیلومتری ساری - بنا شده است. این بقعه بنابر مشهور تربت یکی از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است، متن نوشته موجود به شرح زیر است:

«هذا المشهد المقدس الحضرات الامامزادگان بحق امامزاده عباس، عبدالله بن موسی الکاظم، و محمد و حسن بن محمد».

این آرامگاه مقدس، گنبد آجری دارد و شکل آن به صورت کثیر

۱ - دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۸۳

۲ - همان مدرک، ص ۳۴۰

الاضلاع و بالای آن هرمی شکل است، و دارای ۲۰ متر ارتفاع بوده و در نوک آن قندیل فلزی زرد رنگی نصب شده است. و در محل تقاطع هرم و کثیرالاضلاع به پهنای پنجاه سانتی متری با گچ تزیین شده است. در وسط صحن بقعه، صندوقی چوبی بر روی قبر قرار دارد که آیاتی از قرآن بر آن نوشته شده است. طول صندوق ۲/۳۰ متر، عرض آن ۱/۹۰ و ارتفاعش ۱/۲۰ متر است. این صندوق، قدیمی و بسیار نفیس است، و در دو ردیف بالا و پایین آن به شکل نوار، عباراتی عربی آیاتی از قرآن به خط نسخ و بر جسته نوشته شده است. این امامزاده دو جفت در نیز دارد که به طرز جالبی منبت کاری شده است.

بر بالای در خارجی نام واقف - (آقا حسین) - و نجاری آن - بهرام ساروی مقیم اسکندر آباد - نوشته شده و تاریخ ساخت آن جمادی الثانی ۸۹۷ قمری ذکر شده است.^۱

* شاهزاده حسین

این بقعه ضریح چوبی و قدیمی دارد. در ورودی آن از چوب و منبت کاری است. که بر دو لنگه آن این عبارت کنده شده است: «صاحب الخیرات جناب سیادت مآب، سید اسمعیل ابن المرحوم سید فتح الله النجفی، عمل حسین بن استاد احمد ستاری فی التاریخ الرجب المرجب سنة تسعين و ثمان مائه (۸۹۰ هـ)». و همچنین دارای صندوقی است از چوب و مکعب مستطیل که بر روی آن سورة «یس» و بعد عبارت زیر حک شده است:

«هذه الصندوق المشهد المرقد الاعظم سلطان حسین و سلطان محمد جعفر بن موسی الکاظم بسعی و اهتمام اسمعیل بن فتح ... النجفی

الحسینی. عمل استاد محمد حسن فی التاریخ سنة اربع و تسعين و ثمان مائه
۸۹۴ هـ.^۱

* امامزاده ابراهیم

این امامزاده در پنج کیلومتری غربی شهر در قریه عیسی خندق
قرار دارد گنبد دارای ضریحی چوبی به شکل مکعب مستطیل است که
تاریخ ساختمان ضریح مزبور بدین عبارت بر روی آن نقش شده است
«فی تاریخ ربیع الاخری سنة تسعة و خمسين و ثمان مائه (۸۵۹ هـ)»^۲

* امامزاده علی اکبر

این امامزاده در فاصله ۱۲ کیلومتری جنوب شهر ساری در دهکده
دارابکلا واقع است بر در ورودی چوبی آن، این عبارت کنده شده است:
«صاحب الخیرات عالی جناب مرتضوی، انتساب افتخار السادات و
الاشراف امیر سید شمس الدین ابن امیر سید عزیز و مرتضی».^۳

* امامزاده جلال

این مزار در فاصله دو کیلومتری شمال شهر ساری در محلی بنام
زرگرباغ، واقع است.^۴

* بقعه درویش علی حاجی

این بقعه در دهکده سوتکلا بناft فریم واقع است و بر در و صندوق
چوبی بسیار نفیس آن آیاتی از کلام الله مجید، نوشته شده است.

* امامزاده میر عبدالعظیم و امامزاده محمد

بنای بقعه میر عبدالعظیم واقع در شهر ساری، مربوط به دو دهه

۱ - تاریخ مازندران، ص ۳۴۱

۲ - تاریخ مازندران، ص ۳۴۲.

۳ و ۴ - همان

اخیر است.

در دفتر مدرسه مجاور نیز بقعه‌ای به نام سید محمد وجود دارد درباره شخصیت میر عبدالعظیم گفته می‌شود که وی باید میر عبدالعزیز پسر میر کمال الدین باشد.

سید کمال الدین را میر ظهیرالدین مرعشی، پسر دوم سید قوام الدین مرعشی دانسته‌اند. او در ماوراء النهر در گذشت، ولی با آمدن فرزندان به مازندران، یاران او جسدش را به ساری منتقل و در این محل دفن کردند، و از آن پس فرزندان او سید کمال الدین و سید غیاث الدین و بالاخره سید عبدالعزیز، همه در اطراف قبر میر کمال دفن شدند.^۱

* مزار آقا مشهد

مزاروی در شهر ساری، بر فراز تپه‌ای در کنار قلعه‌ای کهن منتسب به باوندیان ساخته شده است.^۲

* بقعه امامزاده علی اکبر

در میان دو رود ساری واقع است.^۳

* امامزاده عیسی

در میان دو رود ساری واقع و شامل بقعه‌ای قدیمی است. مسجدی به آن الحاق شده و نمای خارجی آن با بسیاری از آرامگاههای دیگر تفاوت دارد، اهالی محل، نسب امامزاده را به امام موسی کاظم (ع) رسانند.^۴

* امامزاده سید قاسم

واقع در بخش رود پی ساری که با مسجد متصل به آن، بر فراز تپه‌ای

۱ - دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲ - دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۰۵.

۳ و ۴ - همان مدرک، ص ۳۲۰.

طبیعی نباشده، بر در ورودی بقعه، نام چهارده معصوم آمده است.^۱

* امامزاده عبدالله

مقبره آن در چهار دانگه هزار جریب از توابع ساری واقع است. نوشته موجود بر حاشیه یکی از صندوقها حکایت از آن دارد که این امامزاده از اولاد امام جعفر صادق - علیه السلام - می باشد.

* امامزاده عبدالله قاسم

در محله رود پی ساری واقع و بنای مستطیل شکل آن، شامل بقعه و مسجد است. از آثار قابل توجه آن نوشته های روی در ورودی است بدین متن:

«هذه الروضة المباركة الشريفة - الامام عبدالله بن القاسم نورالله مرقدهما - باهتمام سيد نظام الدين محمد كاردگر - في تاريخ سنة تسع و ستين و ثمانمأة»^۲

* امامزاده عبدالصالح

وی پسر امام موسی الکاظم علیه السلام و مزارش در دهکده مرزود از دهستان میان دورود واقع و دوازده کیلومتر از شهر فاصله دارد. بدنه گنبد این حرم مانند گنبد سید زین العابدین مستطیل شکل است. در داخل این بقعه ضریحی از چوب بسیار نفیس که سوره های قرآنی بر آن نوشته شده بود به سرقت رفته است.^۳

* میرسر روضه

پس از آنکه امیر تیمور به مازندران یورش آورد سید کمال الدین،

۱ - دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۹

۲ - همان، ص ۳۱۹.

۳ - تاریخ مازندران ص ۳۴۲.

فرمانروای مازندران را با کلیه برادران و اقوام به ترکستان فرستاد. کمال الدین با جمعی از سادات در تبعیدگاه مُردند. پس از مرگِ امیر تیمور علاقمندان میرکمال به ترکستان رفته و روی شدت علاقه جنازه او را به ساری آوردند و ظاهراً وی و بستگانش را در محل میر سرروضه دفن کردند.^۱

✽ ملامجدالدین

مزاروی در قسمت شمالی شهر قرار دارد. وارثان میرزا محمد حسین حیدری ساروی، نوشته‌ای روی پوست آهو در دست دارند که منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام است. بر طبق آن نوشته امام (ع) ملامجدالدین را مأمور تبلیغ و ارشاد اهالی مازندران و مردم آمل و ساری رابه اطاعت از شیخ مزبور ملزم کرده.^۲ در ترجمه متن نامه منسوب به امام صادق علیه السلام این گونه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

✽ ابو عبدالله صادق

ای جمیع مسلمین و جماعت مؤمنین! خداوند جمعیت شما را افزون کند. بدانید خداوند تعالی به نماز، زکوة، روزه، حج، جهاد و ارتکاب حلال و دوری از حرام و آنچه رسول خدا به امر خدای تعالی فرمود شما را دعوت نمود.

پس به امر خداوند سبحان، نجاتِ آخرت را کسب کنید تا از مؤمنان

۱ - همان

۲ - بعضی دانشمندان صحت انتساب سند بحضرت صادق (ع) را مورد تردید قرار داده‌اند. مازندران عباس شایان، ج ۱، ص ۳۰۴

باشید. بر ما لازم است که این دستورها و نواهی را توسط مولا مجدالدین
مکی به شما اعلام نماییم. و او را به سوی دو شهر آمل و ساری و نواحی آن
دو بفرستیم. پس آنچه از او امر و نواهی به شما می‌گوید گوش فرا دهید ...
... کما این که خداوند می‌فرماید: «اطيعوا الله واطيعواالرسول و
اولی الامر منکم».

«۱۰ شوال سال ۱۳۶ ه. ق.»^۱



فصل هشتم

اندیشه سبز

خطه سبز شمال به خصوص شهر ساری باغستان تفکر و اندیشه های سبز دانشمندان است.

از این دیار عالمان، دانشمندان و شاعرانی به پاخاستند که با آب معرفت و آگاهی، زنگارهای نادانی و خرافات را از دل ها زدودند و حقیقت طلبان را به سرچشمه نور رهنمون ساختند.

عالمان خداترس این دیار، از تلاش نایستاده و دلها را به خانه تکانی و همگان را به نفی هوی و هوس و هر آنچه غیر خدایی است دعوت کردند. در اینجا به شرح حال بزرگانی می پردازیم که خون تلاش و غیرت دینی را در رگهای اجتماع بجوش آورده و به آنها گرمی و امید بخشیدند.

* ابن شهر آشوب

محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی، کنیه اش ابوجعفر و ابو عبدالله و ملقب به رشید الدین یا زین الدین، از اهالی ساری و از مفاخر علمای امامیه و مشایخ شیعه در اواخر قرن ششم هجری می باشد، وی فقیهی نامدار، محدثی بزرگ، متکلمی پر آوازه، ادیبی سرآمد، مفسری عالی مقام و شاعری بلیغ بوده است.

او از بزرگانی چون احمد بن ابیطالب طبرسی مؤلف کتاب احتجاج، فضل بن حسن طبرسی نویسنده مجمع البیان، شیخ طوسی، زمخشری مؤلف کشاف و شیخ ابوالفتوح مفسر- معروف به رازی- قطب راوندی و جمعی دیگر از بزرگان عصر خویش روایت نقل کرده است. عالمان شیعه و سنی از او تجلیل نموده و به شرح حال او پرداخته‌اند، وی را به کثرت علم و عبادت و خشوع و تهجد ستوده و مورد توجه عام و خاص بوده است چنین نوشته‌اند که در ایام خلافت مقتفی عباسی به منبر رفت و سخنانش مورد تعجب و شگفتی حاضران در مجلس و شخص خلیفه واقع شد. وی در هشت سالگی اکثر قرآن را حافظ بود ابن شهر آشوب در ۲۲ شعبان سال ۵۸۸ ه. ق. در شهر حلب وفات یافت و در دامنه کوه جوش و نزدیک قبر شریف «محسن» فرزند سقط شده امام حسین (ع) مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:^۱

- ۱- الاربعین فی مناقب سیده النساء فاطمة الزهراء ۲- الاسباب و النزول علی مذهب آل الرسول ۳- انساب آل ابیطالب ۴- اعلام الطریق فی الحدود و الحقایق ۵- الانصاف ۶- الاوصاف ۷- بیان التنزیل ۸- الحاوی ۹- شرح فصول خمسين ابن معط در علم نحو ۱۰- مائدة الفائدة ۱۱- متشابه القرآن ۱۲- المثل فی الامثال ۱۳- مثائب النواصب ۱۴- المخزون المکنون فی عیون الفنون. ۱۵- معالم العلماء ۱۶- مناقب آل ابیطالب ۱۷- المنهاج

* شیخ احمد طبرسی

شیخ احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی که کنیه اش ابو منصور است، عالمی فاضل و جلیل القدر و در علم فقه و کلام سرآمد عصر خویش و از

۱- ریحانة الادب محمد علی مدرس، ج ۸، ص ۶۰- ۵۸

محدثان قابل اعتماد در اواسط قرن ششم بود، وی با ابوالفتح رازی و فضل ابن حسن طبرسی هم عصر و از اساتید و مشایخ شیخ منتجب الدین و ابن شهر آشوب بود. او با دو واسطه از شیخ طوسی و با چند واسطه، از صدوق به نقل روایت پرداخت. شهید اول در غایة المراد فتاوا و اقوال بسیاری را از او نقل می کند. بعضی از آثار گرانقدر او عبارت است از:^۱

- ۱- الاحتجاج علی اهل اللجاج ۲- تاج المواید ۳- تاریخ الأئمة
 - ۴- فضائل الزهراء ۵- الکافی در فقه ۶- مفاخر الطالیه.
- مقبره این شیخ بزرگ در پنج کیلومتری شهر قائم شهر به طرف بابل واقع است.

* شیخ طبرسی^۲

امین الدین فضل بن حسن بن فضل طبرسی، عالمی فاضل، فقیهی کامل، محدثی جلیل القدر و مفسری بزرگ در قرن ششم هجری بوده که از شیخ ابوعلی پسر شیخ طوسی و شیخ عبدالجبار قاری رازی روایت نقل نموده است. صحیفه الرضا از جمله روایاتی است که او نقل کرده است. امین الدین خدمات برجسته و شایانی به عالم اسلام نمود. آثار به یادگار مانده از وی به قرار ذیل است:^۳

- ۱- الآداب الدینییه للخزانة المعینیة
- ۲- اعلام الوری باعلام الهدی فی فضایل الائمة الهداة واحوالهم
- ۳- جوامع الجامع در تفسیر قرآن مجید
- ۴- حقایق الامور در اخبار

۱- ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۵

۲- بنابر قولی طبرسی در تفرش متولد شده است.

۳- ریحانة الادب، ج ۴، ص ۴۰

- ۵- الشواهد
- ۶- عدة السفر و عمدة الحضر
- ۷- العمدة فی اصول الدین والفرائض و النوافل
- ۸- غنية العابد و منية الزاهد
- ۹- الکافی الشافی من کتاب الکشاف
- ۱۰- کنوز النجاح در ادعیه
- ۱۱- مجمع البیان لعلوم القرآن، که در تفسیر، بی نظیر و ده جلد می باشد.
- ۱۲- مشکوة الانوار
- ۱۳- معارج السؤال
- ۱۴- نشر اللثانی
- ۱۵- النور المبین
- ۱۶- الوافی
- ۱۷- الوجیز
- ۱۸- الوسیط

* ملا صالح مازندرانی

وی معروف به ملا صالح ابن ملا احمد سروی مازندرانی بود، دانشمندی که صفات پسندیده عامل، فاضل، کامل، عابد، زاهد، محقق، و متقی را در خود جمع کرده بود. او دارای اخلاق نیک و بسیار جلیل القدر و الا مقام ملقب به حسام الدین، داماد و شاگرد ملا محمد تقی مجلسی بود. بزرگانی چون شیخ بهایی و ملا عبدالله شوشتری و پسرش ملا حسنعلی شوشتری استاد وی بوده اند. تألیفات این مرد بزرگ از قرار زیر است:^۱

۱- ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۴۷

۱- حاشیه بر کتاب شرح لمعه. ۲- حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی
 ۳- حاشیه معالم ۴- شرح اصول کافی ۵- شرح روضه کافی ۶- شرح زبدة
 الاصول شیخ بهایی ۷- شرح قصیده برده ۸- شرح من لایحضره الفقیه
 ملا محمد صالح از زن خود آمنه بیگم دارای چندین فرزند شد، که
 یکی از دخترانش والده محمد باقر بهبهانی می باشد. بهبهانی در کلمات
 خود از مجلسی دوم به خال [دایی] و از مجلسی اول به جد تعبیر می نماید.
 وفات ملا محمد صالح به سال ۱۰۸۰، ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶ هجری - بنابر
 اختلاف اقوال - در اصفهان رخ داد و در مقبره مجلسی مدفون شد.

آمنه بیگم همسر ملا صالح، در فضل و دانش و دیانت شهرت داشت.
 نقل می کنند که ملا محمد صالح در شب اول ازدواج هنگامی که به منظور
 شکر الهی مشغول مطالعه بود، اتفاقاً با مسأله مشکلی مواجه شد و از حلّ
 آن عاجز ماند. همسرش با دقت فراوان آن را حل کرد و جوابش را نوشت.
 ملا صالح شب بعد وقتی آن نوشته را دید، با نهایت خوشحالی به سجده
 شکر افتاد و چون شب گذشته تا صبح مشغول عبادت و مطالعه شد و بدین
 منوال با رضایت از چنین همسری سه شب کار شکرگزاری ادامه یافت.

✽ هادی مازندرانی

وی فرزند ملا صالح مازندرانی، عالمی ادیب، با فضیلت و از مشاهیر
 فضلا به شمار می آید. وی به موجب موفقیت در ترجمه قرآن
 مجید، لقب مترجم رانیز داشته و تألیفات او از این قرار است:

۱- ترجمه فارسی قرآن مجید

۲- حاشیه تفسیر بیضاوی به زبان فارسی.

۳- حاشیه مواریث قواعد علامه.

۴- الحدود و الدیات به زبان فارسی.

۵- شرح فارسی شافیه ابن حاجب.

۶- شرح شرح شمسیه به فارسی.

۷- شرح صحیفه سجاده به فارسی

۸- شرح قواعد علامه.

۹- شرح کافیه ابن حاجب.

۱۰- شرح معالم به فارسی

آقاها دی به سال ۱۱۲۰ هجری در اصفهان وفات یافت و نزد قبر پدر بزرگوارش مدفون گردید.^۱

* شیخ حسین

دانشمند معروفی که پس از مدتی اقامت و تکمیل تحصیلات در اصفهان، در تهران سکنی گزید و به مقام ریاست علمای زمان خویش نائل آمد. و در سال ۱۲۱۳ در قزوین درگذشت.^۲

* شریعتمدار بزرگ

وی بیش از هشتاد جلد کتاب تألیف کرد که اسرار الشهادة در احوالات امامان معصوم از آن جمله است.^۳

* شیخ زین العابدین چهار دانگه‌ایی

از مجتهدان بزرگ عصر خویش بود.^۴

* آقا محمد علی بن محمد باقر هزار جریبی

این دانشمند، مقام آینده خود را از کودکی می‌دانست، زیرا در همان هنگام خواب دیده بود که ستارگان آسمان در برابر او سر تعظیم فرود

۱- ریحانة الادب میرزا محمد علی مدرس ج ۵، ص ۱۴۸.

۲- دانشمندان و رجال مازندران، ص ۳۰.

۳- همان مدرک، ص ۳۲.

۴- همان مدرک، ص ۴۱.

آورده و بازیچه دست او شدند. پدرش خواب او را چنین تعبیر کرد که آینده درخشانی در پیش دارد. وی پس از تکمیل تحصیلات، در علم فقه، اصول، رجال، حدیث، کلام، حکمت، تفسیر، تاریخ و عربی به شهرت رسید. او در سال ۱۲۴۵ هجری به علت بیماری وبا درگذشت.^۱

* زین الدین مازندرانی

وی داستان جزیره خضراء را روایت نموده است.

* عبدالعظیم حسینی ساروی^۲

* علی بن الحسن

معروف به طبرسی فرزند مؤلف کتاب مجمع البیان.

* محمد باقر هزار جریبی مازندرانی

وی یکی از بزرگان شیعه در قرن دوازدهم هجری بود.^۳

* کمال الدین حسین مازندرانی

که مشهور به حسینی و از شاگردان شیخ بهایی است.^۴

* ابوتراب ساروی

عالم فاضلی که تقریراتش را با دست خط خود نوشت. و در سال ۱۲۳۸ هجری وفات نمود.^۵

* محمد موسوی ساروی

انوار الهدی، انوار الاحکام، انوار الاسلام از تألیفات وی می باشد.

۱- همان مدرک، ص ۱۸

۲- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۴۶

۳- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص ۲۲۷.

۴- همان مدرک ج ۴ ص ۴۱۰.

۵- الذریعة ج ۴ ص ۳۶۸.

* سید ابوالقاسم مازندرانی

از عالمان قرن سیزدهم هجری که مشهور به سید محمد مجتهد بود.

* سید ابوالقاسم مازندرانی

معروف به مدرس که کتاب انیس المجتهدین به امر ایشان نوشته شد.

* شیخ حسن علی مازندرانی

از نوادگان علامه محمد صالح مازندرانی در قرن سیزدهم.

* شیخ مولی محمد حسین ساروی

وی از فقها و از شاگردان سید ابراهیم قزوینی نویسنده کتاب «ضوابط» بوده است.

* محمد رضا هزار جریبی مازندرانی

* شریف العلماء

مرحوم سید عباس شریف العلماء از سادات معروف و عالمان مورد احترام ساری بوده او در سال ۱۲۹۶ ه. ق. در شهر ساری به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۸ شمسی وفات یافت. وی در جوانی از آزادیخواهان مازندران که اغلب، ریاست انجمن ولایتی و ایالتی را عهده دار بود و در انجمن مجاهدین ساری نیز عضویت و با آنها همکاری داشته است. وی در دوره های دوم و سوم به نمایندگی از طرف مردم ساری به مجلس راه یافته است.^۱

* شیخ صادق ساروی

از دانشمندان دینی عصر خویش بوده که در سال ۱۳۰۶ ه. ق. وفات

۱- مازندران، عباس شایان، ص ۲۸

نمود.

معاصران

در اینجا به شرح حال جمعی از بزرگان معاصر می پردازیم:

* شیخ مصطفی صدوقی

وی از بزرگان و علمای همزمان با مرحوم سید رضا سعادت است، او توانست در شهر ساری منشأ خدمات فراوان به یاد ماندنی باشد.

فعالیت علمی ایشان در مدرسه علمیه (سعادتیه) و سپس در امامیه بود در کنار تدریس به تربیت طلاب پرداخت. عده‌ای از مبلغین که هم اکنون در گوشه و کنار شهر به نشر و تبلیغ احکام اسلام مشغول اند یادگار آن مرحوم به شمار می آیند. وی در یکی از شبستانهای مسجد جامع پیشنهاد بود و با وعظ و اندرز، مردم را به احکام اسلام هدایت می کرد.

او باگذشت چند سالی از پیروزی انقلاب اسلامی پس از عمری تلاش و ارائه خدمات فراوان دعوت حق را لبیک گفت.

* سید رضا سعادت

وی متولد ۱۳۲۳ قمری و از شخصیت‌های برجسته و فاضل در شهر ساری بود که در فن خطابه سرآمد عصر خویش و زبانزد همگان به شمار می رفت.

هر روز عده‌ای از طلاب حوزه به محضرش می رسیدند و بهره های علمی و معنوی می بردند، ایشان در مسجد جامع امام جماعت بود و در رسیدگی و رتق و فتق امور مردم سعی و اهتمام تمام داشت. وی پس از عمری خدمت به اسلام، سرانجام در ماه صفر سال ۱۳۸۹ قمری چشم از جهان فرو بست.

* سید محمد عظیمی

وی از مشاهیر، بزرگان و افضل علمای عصر خویش در منطقه به شمار می رفت. در نجف اشرف هم درس حاج شیخ مجتبی لنگرانی بود. پس از پایان تحصیلات در نجف باکوله باری از علم و معنویت به شهر ساری آمد و منشأ خدمات فراوانی در این دیار گردید.

وی در کنار تدریس، عهده دار امامت مسجد جامع و پس از آن مسجد مصطفی خان بود، در آبان ماه ۱۳۴۸ شمسی دارفانی را وداع کرد.

* شیخ محمد تقی نظری

وی پس از پایان تحصیلات در شهر قم و نجف، به ساری برگشت، و حدود نیم قرن در دو مسجد رضاخان و مسجد جامع، امام جماعت بود. و به بیان احکام مشغول گشت. و نزد همگان شناخته شده و مورد اعتماد بود. عالم زاهدی بود که به مال دنیا پشت پا زده و در کمال سادگی زندگی کرد. وی در سال ۱۴۰۸ شمسی از دنیا رحلت نمود.

* شیخ رضا قیومی

آن جناب عالم خدمتگزاری بود که شاگردان زیادی را پرورش داد و در جلسات وعظ و سخنرانی کلامش تأثیر و نفوذ بسیاری داشت. وی در سال ۱۳۳۶ شمسی برفراز منبر از دنیا رفت.

* شیخ عبدالله نظری

وی از علمای مازندران در عصر حاضر و از یاران دیرینه حضرت امام خمینی (ره) در طول مبارزات اسلامی علیه رژیم ستم شاهی بود و در این راه زحمات طاقت فرسایی را با جان و دل متحمل شد. او در مدت تبعید امام راحل، تا پیروزی انقلاب اسلامی پایگاه امنی برای نسل جوان به شمار می رفت. در زمانی که ذکر نام امام جرم محسوب

می‌شد، ایشان هر سال در خطبه عید فطر مرجعیت امام را مطرح و تبلیغ می‌کردند. توانائی‌های علمی ایشان بر اهل علم و دانش پوشیده نیست. هر روز عده‌ای از علاقمندان و دانش پژوهان در محضرش حاضر و از دروس خارج فقه، اصول، و حکمت و نیز تفسیر قرآن وی در شبهای چهارشنبه بهره‌مند می‌شوند.

ساده زیستی و زهد و تقوایش از عظمت روحی و پرهیزگاری ایشان حکایت میکند.

در تمام دوران جنگ، مدافع رزمندگان اسلام بود. مردم را به جبهه رفتن تشویق کرده، و از سربازان اسلام حمایت می‌کرد دو بار با آن کھولت سن به جبهه رفت و در کنار رزمندگان قرار گرفت و پرورش طلاب و دیگر کارهای علمی، عمده کار ایشان است هم اکنون او در مسجد جامع به اقامه جماعت مشغول و نماز جماعت ایشان از پرشکوه‌ترین جماعات است.

* شیخ نورالله طبرسی

حاج شیخ نورالله طبرسی از عالمان مشهور شهر است که از اوایل انقلاب از سوی دفتر امام خمینی به امامت جمعه منصوب شد. وی قبل از انقلاب به همراه دیگر علمای انقلابی شهر، در سرو سامان دادن مبارزات اسلامی مردم و راهپیمائیه‌ها نقش به‌سزایی داشت.

مسئولیت رهبری و امامت جمعه نتوانسته او را از محرومان دور سازد. اخلاق پسندیده‌اش با مراجعین باعث شده حتی افراد ییگانه با نظام اسلامی جذب شوند و از نزد او راضی برگردند و چون دوست صمیمی از او یاد کنند.

شاعران

ساری با پرورش شاعرانی توانا و متعهد سهم خویش را در خدمت به علم و ادب ایران زمین ادا نموده است. در اینجا با نام و مختصر شرح زندگی جمعی از آنان آشنا می‌شویم.

* حبش

ملا علی معروف به حبش از شاعران اواخر قرن یازدهم ه. ق، مردی فاضل و دانشمند بود و در اوایل جوانی به مشهد مقدس رفت و در آنجا به تحصیل مشغول گردید. وی در سال ۱۰۷۰ ه. ق در اصفهان وفات یافت و در مزار بابا رکن الدین به خاک سپرده شد.^۱

* حامی

از شاعران معاصر و خوش ذوق مازندران است که در آثارش افکار و اندیشه های تازه دیده می‌شود. این قطعه شعر را در وصف مادر سروده است:^۲

ای مادری که دیده به روی تو روشن است

وی آن که خانه با گل رویت مزین است

زایل کجا شود ز دلم دوستی تو

تانور در دو دیده و جانیم در تن است

هنگام رنج من غم من سوز و درد من

آغوش پر زمهر تو شایسته مأمن است^۳

۱- دانشمندان و رجال مازندران ص ۱۰۴.

۲- همان مدرک، ص ۱۰۵

۳- همان مدرک، ص ۱۰۵.

* حشمت

از شاعران مازندران، در عصر مشروطیت است که اشعارش درباره حوادث مشروطه، از اجتماعی بودن وی حکایت دارد.^۱

* رشدی (رستم‌داری مازندرانی)

وی در سده یازدهم هجری می‌زیست این اشعار از اوست:

هست این کره گل اثر مقبره‌ای

وین چرخ چولوح زبر مقبره‌ای

گیتی لحدی و ماهی مرده در او

خورشید چراغی بسر مقبره‌ای^۲

* سریری

وی یکی از شاعران بنام ساری است.^۳

* سامی

علی سامی در علوم عربی و ادبی استاد بود. در نثر و نظم قدرت بسزایی داشت و دیوانی نیز از وی به جا مانده است.^۴

* شهاب

وی در سال ۱۲۹۵ شمسی در شهر ساری متولد شد. پدرش سید اسماعیل از مردم قم بود که به این دیار مهاجرت کرده بود. این شاعر توانا، روزگار حیات را صرف جمع آوری اشعار شاعران مازندران کرد و در سلسله مجلات ارمغان هر ساله شرح زندگی شاعری از مازندران به قلم

۱- همان مدرک، ص ۱۰۵.

۲- دانشمندان و رجال مازندران، ص ۱۱۷.

۳- همان مدرک، ص ۱۲۰.

۴- همان مدرک ص ۱۱۸.

ایشان نگاشته می‌شد. دیوان چند تن از شاعران از قبیل طالب آملی و صوفی به همت او به چاپ رسید.^۱

* سید صبحی

وی به گفته خودش اهل مازندران بوده و از جمیع دانشها - از قبیل طب و حکمت و سایر علوم - بهره‌مند بود. این بیت شعر زیبا را او سروده است:

خواب ابد کجاست که آسوده دل شویم

فارغ ز پاسبانی این آب و گل شویم^۲

* طوفان

میرزا طیب طوفان مازندرانی اشعاری بسیار در مدح و منقبت امامان معصوم علیهم السلام سرود. دیوانش به هزار بیت می‌رسد و بیشتر اشعار او غزل است. وی بسال ۱۱۹۰ ه. ق. درگذشت.^۳

* غیبی ساروی (۱۲۴۷-۱۳۱۴ ه. ق)

وی در فنون شعر و شاعری نیرومند بود و در علوم بویژه در لغت و ادبیات عرب و عجم کم نظیر و در نجوم و ریاضیات در عصر خویش، گوی سبقت از همگان ربوده بود.^۴

* کبیری

غلامرضا کبیری از شاعران معاصر مازندران است.^۵

۱- همان مدرک ص ۱۳۰

۲- همان مدرک، ص ۱۲۴.

۳- همان مدرک، ص ۱۳۲.

۴- همان مدرک، ص ۱۳۹.

۵- همان مدرک، ص ۱۵۱.

* مفتون

میرزا محمد شفیع متخلص به مفتون ساروی، از شاعران دوره ناصری است، وی شاعری توانا و مردی ادیب بوده و در عرفان و فلسفه هم دست داشته و انواع شعر را بخوبی و فصاحت می سروده است. این دو بیت از اشعار اوست:

بدبختی مفتون حد و اندازه ندارد اوراقی کتابی است که شیرازه ندارد
شعرمن و مرگ فقرا ننگ بزرگان این هر سه متاعی است که آوازه ندارد
مفتون بسن شصت سالگی (۱۳۱۳ هجری) در ساری درگذشت و در
گورستان ملا مجدالدین دفن گردید!

* منظر

میرزا علی اصغر هزار جریبی مازند رانی از شاعران دوره قاجاریه است.

* مطیع

از شاعران بزرگ و نامدار مازند ران است.^۲

* نشاطی

عباس نشاطی اهل سرحد هزار جریب در ساری به تحصیل علم قرآنی روی آورد وی از کودکی طبع شعر داشت و اشعاری در مصیبت شهیدان کربلا از وی به یادگار مانده است.

۱ - همان مدرک، ص ۱۵۴

۲ - همان مدرک، ص ۱۵۳

فصل نهم

کانون دین

مسجد

با ورود پیامبر اکرم به مدینه، مسجد، نمونه بارز مکتب اسلام نزد مسلمانان شناخته شد. این سنگر مهم از همان آغاز، علاوه بر جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان، برای اداء فرایض دینی، کانون حل بسیاری از مشکلات مسلمانان به شمار می‌رفت. و این مرکز عبادی - اجتماعی، در استحکام پایه‌های حکومت اسلامی نقش ارزنده‌ای داشت.

مسلمانان به موجب آیات و احادیث با اعتقاد خاصی به ساختن مسجد در هر شهر و محله‌ای مشتاقانه در این امر مهم مشارکت نمودند. دینداران ساری نیز از همان ابتدای گرایش به اسلام، ساختن این مرکز عبادی را یک عمل نیکو و دارای اجر دانستند. بر همین اساس بود که در این شهر مساجد فراوانی بنا گردید. در اینجا به مساجد موجود در شهرستان ساری اشاره می‌شود.

مسجد جامع

مسجد جامع ساری با سابقه‌ای تاریخی در مرکز شهر واقع است. این کانون عبادی وسیع دارای هشت شبستان بزرگ و به هم متصل است آیات و حجج اسلام حاج شیخ عبداللّه نظری، مرتضی صدوقی، سید رضی شفیعی، سید حسن تایی، حاج شیخ عبدالرحمن نوبخت و حاج شیخ عباسعلی ولی نژاد امامان جماعت این مسجد با عظمت هستند. این دژ محکم معنوی، مرکز تصمیم‌گیری علما و بزرگان شهر در مسائل انقلاب اسلامی بود این کانون عبادی - سیاسی - فرهنگی با حفظ افتخارات گذشته هم‌اکنون نیز مبدأ شروع راهپیمایی‌ها است و در جهت‌دهی افکار مردم بزرگترین نقش را ایفا می‌کند.

با مطالعه و نگاهی به سابقه دیرینه این مسجد، در می‌یابیم که اولین بنای مسلمین در طبرستان، مسجد بزرگ ساری بود که به دستور ابوالخضیب - نخستین حاکم عباسی - در سال ۱۴۰ هجری بناگشت. دیری نپایید که در همان محل مسجد جامع را ساختند. بعضی معتقدند که، ساختمان مسجد جامع ساری در زمان هارون الرشید به دستور یحیی بن یحیی شروع و با تلاش مازیار بن قارن تمام شد.^۱

بنا به نوشته‌های تاریخی، مکان مسجد فعلی در روزگاران قدیم، معبد آتش پرستان زرتشتی بوده است.^۲ اما با طلوع خورشید اسلام و محو دوران آتش پرستی، این مکان مرکز عبادت مسلمانان گشت. و در طول قرن‌ها کانون عبادی شهر و مایه افتخار باقی ماند.

۱ - مازندران و استرآباد برابینو، ص ۹۱

۲ - همان مدرک، ص ۹۴

دیگر مساجد

مساجد معروف شهر ساری که تا سال ۱۳۷۳ ه. ش. ساخته شده عبارت‌اند از:

مسجد سید سجاد	پشت راه آهن
مسجد و مدرسه دینی رضاخان	خیابان جمهوری اسلامی
مسجد شاه غازي	خیابان ۱۸ دی
مسجد و مدرسه دینی مصطفی خان	چهار راه برق
مسجد امام سجاد(ع)	پشت هتل مازندران
مسجد جامع کلمر	خزر آباد
مسجد ولی عصر(ع)	پشت آرامگاه
مسجد ابوالفضل(ع)	خیابان مدرس
مسجد النبی(ص)	خیابان زاهی
مسجد سالخورده	پشت پرورشگاه
مسجد امام سجاد(ع)	کوی طالقانی
مسجد کارخانه تخته سه لا	جاده نکا
مسجد امام حسن عسکری(ع)	کوی مهاجر
مسجد کوی شهید عرفان	کوی میرزا زمانی
مسجد زرن‌دین سفلی	-
مسجد کلانتری	پاسداران
مسجد اکرمیه	جنب رودخانه تجن
مسجد صفر خیل	-
مسجد الجواد(ع)	جام جم

بلوار خزر	مسجد خانقاه نعمت الهی
میدان شهرداری	نماز خانه
اول پل تجن	مسجد ابوالفضل العباس(س)
کوی طالقانی	مسجد امام جعفر صادق(ع)
—	مسجد امام حسن(ع)
سه راه جویبار	مسجد سه راه جویبار
پشت هتل مازندران	مسجد امام رضا(ع)
کوی شهید خیری مقدم	مسجد امیرالمؤمنین(ع)
دخانیات، کوی رسالت	مسجد و مدرسه دینی فاطمیه
بلوار کشاورز	مسجد علی بن موسی الرضا(ع)
بلوار کشاورز	مسجد پادگان ساری
آرامگاه ملا مجد الدین	مسجد آرامگاه
کوی شهید مدنی	مسجد صاحب الزمان(ع)
—	مسجد نبی آباد
شهید مطهری	مسجد محمد رسول الله(ص)
امامزاده عباس	مسجد امام جعفر صادق(ع)
دروازه گرگان	مسجد بنت الهدی
کوی هفت تیر	مسجد امام حسن مجتبی(ع)
کوی شهید بهشتی	مسجد کوی شهید بهشتی
بازار شهید رجایی	مسجد رانندگان
راه آهن	مسجد ایستگاه راه آهن
کوی طبرستان	مسجد حضرت امیر المؤمنین(ع)
سه راه اسلام آباد	مسجد امام صادق(ع)

مسجد امام رضا(ع)	کوی شهید هاشمی نژاد
مصلای نماز جمعه	میدان شهدا
مسجد حجتیه	دخانیات
مسجد باقرزادگان	خیابان ساری نو
مسجد امام حسین(ع)	دروازه گرگان
مسجد ابوالفضل(س)	خیابان معلم
مسجد امام حسن مجتبی(ع)	-
مسجد صاحب الزمان(ع)	مهاجر
مسجد بلوار کشاورز	بلوار کشاورز
مسجد جاده نکا	جاده نکا
مسجد دخانیات	-
مسجد کوی شهید دستغیب	شهید دستغیب
مسجد امیر المؤمنین(ع)	دانش
مسجد راه و ترابری	چهار راه بخش هشت

حسینیه‌ها

وجود ۲۲۹ حسینیه در شهر ساری و روستاهای اطراف حکایت از عشق و علاقه فراوان شیعیان این دیار به سالار شهیدان حسین بن علی(ع) و خاندان عصمت دارد. در این جا به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد:

حسینیه موسی بن جعفر(ع)	-
حسینیه حضرت رقیه(س)	خیابان وصال شیرازی
حسینیه جواد الائمه(ع)	خیابان طالقانی
حسینیه صاحب الزمان(ع)	خیابان ۲۲ بهمن

خیابان ملت	حسینیه رضوی
کمر بندی شهید باهنر	حسینیه ولی عصر(ع)
بلوار کشاورز	حسینیه ارشاد
خیابان کارگران	حسینیه کوی کارگران
بلوار کشاورز-لسانی	حسینیه شهیدان محراب
بلوار کشاورز-طالقانی	حسینیه ابوالفضل(س)
خیابان ۱۸ دی	حسینیه کوی زینبیه
خیابان امامزاده یحیی	حسینیه سید زین العابدین



مسجد ابوالفضل ساری

فصل دهم

منادیان رهایی

حوزه

از جمله مراکزی که عده‌ای به تحصیل دانش و تهذیب نفس پرداخته‌اند، مدارس و حوزه‌های علوم دینی ساری است. امروزه در حوزه‌های علمیه علاوه بر فقه و اصول و تفسیر بنا بر ضرورت و نیاز جهانیان به شناخت اسلام و روی آوردن به این مکتب رهایی بخش لازم است که طلاب ضمن آشنائی با مکاتب و ادیان دیگر به علوم و زبانهای دیگر آشنا شوند تا از این رهگذر به گسترش دین اسلام و تأمین نیازهای معنوی و مادی بشریت همت گمارند.

امروزه در حوزه‌های علمیه، چه بسا علومی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که در زمان رسول خدا(ص) برای شناخت و تبلیغ اسلام نیازی به آنها نبود. علاوه بر فقه و اصول و تفسیر، نیاز جهان اسلام اقتضا دارد که طالبان علم با مکاتب ادیان دیگر و همچنین زبانهای روز دنیا آشنا شوند، تا از این رهگذر به گسترش دین اسلام که تنها جوابگوی نیاز واقعی بشر است. بپردازند.

ذیلاً به ذکر برخی از این مراکز اشاره می‌کنیم :

مدرسه سلیمان خان

این مدرسه دینی از مدارس قدیمی شهر که مساحت آن سه هزار متر مربع و به همت شخصی بنام سلیمان خان در نزدیک بازار و روبروی مسجد جامع بنا گردیده است حجة الاسلام والمسلمین شیخ مرتضی امامی در حال حاضر متصدی آن بوده و عده‌ای از طالبان علم در آنجا به تحصیل مشغول‌اند. با روی کار آمدن رژیم ضد مذهبی پهلوی، رضاخان سعی فراوانی در از بین بردن حوزه‌های علمیه و روحانیت نمود. با این قصد شوم، مدرسه سلیمان خان نیز از دستبرد غاصبانه رژیم در امان نماند و این مرکز دینی محل تاخت و تاز بی رحمانه آن از خدا بی خبران گشت. بنا به گفته بعضی از طلاب این مدرسه، در رژیم فاسد پهلوی از این محل به عنوان مدرسه دخترانه استفاده می‌شد. این عمل اهانت و جسارت بزرگی به عالمان دین و حوزه‌های علمیه به شمار می‌رفت. چراکه تبدیل حوزه‌ای به مدرسه دخترانه، با وضعیت حجاب آن روز چه معنایی می‌توانست داشته باشد. خشم مردم مسلمان از این همه محو آثار دینی به دست رژیم شاه بالا گرفت تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۷ بار دیگر مرکز درس و بحث طلاب علوم دینی گردید.

ساختمان فعلی این مدرسه نیاز به تعمیر و مرمت دارد.

مدرسه امامیه

این مدرسه جنب مسجد جامع و در مرکز شهر واقع است. متصدی آن حجة الاسلام والمسلمین شیخ مرتضی صدوقی فرزند مرحوم آیت‌ا. حاج شیخ مصطفی صدوقی می‌باشد، بنای ساختمان این مدرسه قدیمی با کمک

افراد متدین و نیکوکاری همچون حاج عبدالرسول ساروی انجام شده است.

این مرکز علمی و دینی چون دیگر حوزه‌ها از بدو تأسیس با خود-گردانی مردم علاقمند اداره می‌شد ارادتمندان مکتب اهل بیت با اعانات و موقوفات فراوان خود، همواره از این حوزه عالم پرور حمایت کرده‌اند. چنانکه موقوفات فعلی این مدرسه شاهد صدقی بر این مدعاست و این عمل حکایت از ارادت و پیوند ناگسستنی مردم با رهبران دینی دارد. بنا به گفته مسئول مدرسه، یک دهم از موقوفات آن به امور مدرسه و یک دهم آن به کتاب تعلق داشته و همچنین مقداری صرف مخارج طلاب و دیگر امور جاری در آن مدرسه می‌گردد.

در حال حاضر حدود ۴۰ نفر از طلاب علوم دینی در این مرکز از محضر اساتید بهره‌مند شده، با بالا بردن سطح آگاهیهای دینی و اجتماعی، خود را مهبای مسئولیتی بزرگ می‌نمایند. برنامه‌های درسی این مدرسه شامل ادبیات عرب، منطق و کتب رسائل و مکاسب و کفایه می‌باشد.

مدرسه مصطفی‌خان

این مدرسه در خیابان انقلاب، جنب اداره برق واقع و از مدارس پررونق شهر به شمار می‌رود طلاب زیادی در آنجا به فراگیری علوم دینی و تهذیب نفس مشغول‌اند. مسئول مدرسه، حجة الاسلام والمسلمین سید رضی شفیعی از عالمان مشهور شهر که دیر جامعه روحانیت منطقه نیز می‌باشد. بنا به گفته وی، این مدرسه ۴۵ نفر طلبه دارد ادبیات عرب، مختصر، معالم و لمعتین در آنجا تدریس می‌شود.

این مرکز نیز از قدیم با پرورش طلاب توانسته عالمان بزرگی را به

جامعه اسلامی تحویل دهد؛ که هریک منشأ خدمات بزرگی باشند. در توطئه محو حوزه‌ها از سوی رضاخان، این مدرسه نیز با سابقه دیرینه‌اش تصرف و محل تحصیل علوم جدید گشت. این عمل به قصد پیشرفت علوم روز و مورد نیاز جامعه نبود بلکه به موجب سرسپردگی و وابستگی اقتصادی و سیاسی به بیگانگان صورت گرفت.

جنب این مدرسه، مسجد مصطفی خان قرار دارد قرار گرفتن مدرسه به عنوان مرکز دانش در کنار مسجد به عنوان مکان عبادت، از ویژگیهای شهرهای با سابقه اسلامی است و گویای این است که پرورش یافتگان مکتب امام صادق (ع) رسیدن به مقامات والای علمی آنان را از بندگی خدا دور نخواهد ساخت.

مدرسه سعادتیه

این مدرسه که نام قدیمش رضا خان^۱ بوده، در کنار دیگر مدارس شهر توانسته در دوره‌های مختلف عده زیادی از مشتاقان علم را تربیت و برای تبلیغ و اصلاح امور دینی راهی جامعه کند. این مکان قدیمی در خیابان جمهوری اسلامی واقع و زیر نظر آیه الله شیخ عبدالله نظری اداره می‌شود.

مسجد رضا خان نیز جزئی از این مدرسه و در اوقات نماز، - نماز جماعت با شکوهی اقامه می‌گردد.

طلاب این مدرسه پس از پایان تحصیل علوم مقدماتی و اتمام دوره سطح، برای تکمیل دروس به حوزه‌های علمیه قم یا مشهد روانه می‌گردند.

۱ - مؤسس این مدرسه فردی خیر به نام رضا خان بوده است.

مدرسه عصمتیه

این مدرسه محل تحصیل علوم دینی خواهران است. که در سال ۱۳۶۸ ش. به همت امام جمعه تأسیس گردید در آنجا هم اکنون حدود ۴۰ نفر به تحصیل دروس فوق دروس مقدماتی، تا کتاب شرح لمعه اشتغال دارند.

و مسائل تربیتی و خانوادگی نیز توسط اساتید مختلف تدریس می شود.

منادیان رهایی

در راه مبارزه با ستم کفر، پرندگانی سبک بال در آسمان سرخ شهادت پرواز نموده و آوای رهایی سردادند. جلودار این پرواز دسته جمعی و تماشایی، شاگردان مکتب امام صادق اند که این کاروان هدفدار و با شهامت را هدایت کردند و سرانجام مدادشان با جوهر خون، رنگین گشت، مطالعه و بررسی زندگی یکایک آن پرستوهای خونین بال و دقت در گفتار و احوال ایشان همگان را با راه و هدفشان آشنا می سازد. دقت در وصیت نامه شهیدان از حال و هوای معنوی و میزان عشق و علاقه آنان به جهاد در راه خدا حکایت دارد. الهامات غیبی قلمشان را به گردش در آورد و با سوز و گداز و عشق به معبود اینگونه نگاشتند:

به نام خداوند در هم کوبنده ستمگران. تنها ره سعادت، ایمان، جهاد، شهادت. با عرض سلام به ساحت مقدس ولی عصر امام زمان - روحی و ارواح العالمین له الفداء - و درود بر منجی انسانیت که از خدایم خواهم که از عمر من بکاهد و به عمر پربرکتش بیفزاید. درود فراوان بر شهیدان اسلام از هابیل تا حسین (ع) و تا شهیدان کربلای ایران. سلام و درود

فراوان بر شما ای مادر مهربان و ای برادران و خواهران مهربانم. خواهش می‌کنم برایم گریه نکنید و می‌دانم که نمی‌کنید. اما صبر در راه خدا اجر عظیمی به شما خواهد داد. بر سر قبرم نام جوان ناکام ننویسید زیرا این راه را که همان راه انبیاست و راه یگانه پاسدار کربلا حسین بن علی (ع) است انتخاب کرده‌ام.

از شما خواهش می‌کنم آرام مقدس سپاه، این آرام شهادت را بر سر قبرم بکشید. جهاد دری از درهای رحمت الهی است که تنها به روی بندگان ویژه خداوند باز می‌شود.

پیراهن آن پاسدار اسلام زرهی آهنین است که خداوند بر اندام جوانمردان خونگرم و فعال می‌پوشاند. این جامه فاخر در زندگی لباس شرافت و پس از مرگ حریم بهشت خواهد شد.

آری این گلگون کفنان یعنی آنهایی که در راه دین و قرآن و اسلام و عدالت به خون گلوی خود رنگین شده‌اند در این جهان جز افتخار نخواهند داشت. در آن روزی که مرگ برای انسان مقدر است، اگر در اعماق دریاها یا بالای ابرهای انبوه مقام کند، بالأخره جهان را بدورد خواهد گفت.

بارخدا یا! اینک به یاد تو به جبهه می‌روم، نه برای انتقام بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلابم. پای در چکمه می‌کنم و خدا و امام زمان و نائب بر حق تو را به یاری می‌طلبم و از تو می‌خواهم که به آن سوی و آن راه که خود صلاح می‌دانی هدایت شوم. هدفم خدا، مکتبم اسلام، مرادم روح الله است.

امید دارم هر قدمی که بر می‌دارم و گلوله‌ای که شلیک می‌کنم و قلب دشمن را هدف می‌سازم، در یاری دین خدا باشد و برای هر گلوله‌ای که به

بدنم اصابت می‌کند. دردش و زجرش را که شیرین‌تر از غسل می‌باشد به یاری خدا تحمل کنم. در آخر از شما مادر مهربانم می‌خواهم که مرا در قم دفن کنید، و اگر مقدار پولی یا چیزی دیگر دارم به دولت دهید. و از برادران کوچکترم می‌خواهم که به درس خود ادامه دهند که فقط با خواندن درس می‌توانند راه من و پدرشان را ادامه دهند.»

والسلام علیکم - محمد صادق قاسمی

آری وصیتنامه فوق از شهیدی است که ۱۶ بهار از عمرش نگذشته بود. کلمات و جملات حکیمانه‌اش حاکی از قلب مالا مال او به ایمان و عشق مقدس او به اسلام و حفظ آن بود. وی سرانجام در ادامه راه پدر در جبهه‌های نور فریاد رهایی سر داد و لباس گرانمایه شهادت را به تن کرد.

شهید قاسمی

شهید حجة الاسلام والمسلمین عبدالوهاب قاسمی متولد ۱۳۱۲ با همه صفات پسندیده‌اش سخن از او بسی مشکل و در این مختصر نمی‌گنجد. و او در تمام دوران کوتاه زندگیش، درس مهربانی، ساده زیستی، ایمان و استقامت آموخت و به دیگران تعلیم داد.

مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه از برجستگی‌های وی به شمار می‌رفت. در سال ۱۳۴۲ با اوج‌گیری مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی، در شهر مقدس مشهد دستگیر و برای اولین بار در سیاهچال‌های رژیم، به مدت ۱۴ روز محبوس و در زندان سخت‌ترین شکنجه‌ها از جمله کیسه‌های بزرگ شن روی سینه‌اش را متحمل شد اما دست از مبارزه بر نداشت ایشان با آزادی از زندان، در اولین فرصت مبارزه را علنی تر ادامه داد و با بیانات قوی و دشمن براندازش خواب راحت از چشم رژیم سفاک

ر بود. وی تا سال ۱۳۵۶ حدود ده بار به جرم مخالفت‌های صریح به زندان افتاد.

سال ۱۳۵۶ آخرین بار در سلول انفرادی رژیم زیر شکنجه دم برنیاورد و پس از آزادی، در سفر به مکه با توطئه قبلی، مأموران ساواک خواستند ایشان را ترور کنند، اما نتوانستند و این توطئه با شکست مواجه شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ به عنوان اولین نماینده مردم ساری در دوره اول مجلس شورای اسلامی به مرکز قانونگذاری راه یافت. پس از یک سال خدمتگزاری به ملت در سنگر مقدس حزب جمهوری اسلامی به همراه شهید مظلوم دکتر بهشتی و دیگر یاران به دست دشمنان خلق خدا - یعنی منافقان - به درجه شهادت نایل آمد. و مردم ساری و همه ملت ایران را در غم جانسوزی فروبرد.

شهیدی دیگر

شهید حجة الاسلام والمسلمین عبدالحسین اکبری در سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای مذهبی، در روستای لالیم از توابع شهرستان ساری به دنیا آمد و با شور و عشقی که در یادگیری علوم اسلامی داشت، تحصیل مراحل مقدمات و سطح را به پایان برد.

وی در سال ۱۳۴۶ برای تکمیل تحصیلات عالی به نجف اشرف هجرت کرد، و از محضر آیات عظام، حکیم، شاهرودی و خویی استفاده‌های فراوان برد.

او در مبارزه مردم مسلمان ایران علیه رژیم شاه شرکت فعال و مستمر داشته و جنایات رژیم ستم شاهی را به گوش مردم مسلمان می‌رساند، در این راه هیچ ترس و هراسی به خود راه نمی‌داد. پس از پیروزی انقلاب

اسلامی، در سال ۱۳۵۸ به عضویت در هیأت ۷ نفره واگذاری زمینهای کشاورزی در آمد و در حل اختلافات و نزاعهای محلی خدمات بزرگی انجام داد.

شهید اکبری که از نظر اخلاقی، فردی متواضع و فداکار و خدمتگزار مردم بود، سرانجام پس از عمری تلاش مستمر در راه اعتلای دین مبین اسلام، در شامگاه هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۰ در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به دست منافقان روسیاه شربت شهادت نوشید.

دیگر شهیدان

روحانیون ساری در جنگ تحمیلی همواره در کنار رزمندگان در خطوط مقدم جبهه بودند و شهیدانی تقدیم انقلاب اسلامی نمودند که اینک اسامی شماری از آنان را می آوریم:

محمد علی نجفی	محمد صادق معلمی
سید جواد شفیعی	مهدی نظر زاده
اسماعیل گلزاده	حامد سروی
علی رضا عبدلی	سلیمان خدادادی
واحد تیلکی	عیسی نادری
عسگری خادمی	سید محمد رضوی
احمدی اندی	کریم الله رجبی
ابوطالب اندی	علی بخشنده
عسگری کلانتری	حسین اسفندیاری
غلامعلی فاضلی	اردشیر اجارستاق
حسینعلی قنبریان	



شهید علیرضا نوری



شهید سید منصور نبوی



شهید قربانعلی رنجبر



گلزار شهدای شهرستان ساری

فصل یازدهم

فرهنگ

زبان

زبان شیرین مازندرانی، میراث دیرپایی است که بازماندهٔ زبان ایرانیان قدیم (پارسی میانه) است. و نسبت به زبان فارسی کمتر تحت تأثیر زبانهای بیگانه‌ای چون مغول و تاتار که مدتی بر ایران حکومت کردند قرار گرفته است.

آشنایی با فرهنگ و زبان آنان راهی است به سوی شناخت بیشتر آداب و رسوم و اعتقادات آنان. در اینجا مناسب است به پاره‌ای از کلمات باگوش و لهجه مازندرانی اشاره شود.

فارسی

آب

یک

استاد

آسیاب

گربه

زبان ولهجه مازندرانی

اُ

اتا

استا

آسیو

بئیتِه

می‌بخشد	بَخِشَنِی
لیسیدن	بَلِستَن
رفتند	بُورْدِنِه
پس‌گردن	پِکِفَا
نیشگون	پِیچِلیک
خالی	تِیسا
خرما	خارِما
پوش	دَپوش
داماد	زوما
صوت	شَپِلْ
شجاع	شِلا
قدم، گام	شاب
قوت، زور	قات
نردبان	کاتی
کجا	کاجه
بغل، آغوش	کَشِه
طویله، آغل	کِیرِس
کفش لاستکی	کَلُش

باورها

سطح آگاهی و بینش صحیح، یک ملت و جمعیت به نوع باورها و طرز فکر آنان است. بعضی از باورهای مردم خطه مازندران ریشه دینی

- دارد و عقل نیز آن را می‌پسندد موارد فراوانی عقاید خرافی نیز در بین عوام وجود دارد در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می‌شود:
- * اگر گوش کسی تکان بخورد به مسافرت خواهد رفت.
 - * اگر جلوی عروس و داماد چراغ گرد سوز روشن باشد و شیشه گرد سوز بشکند، میان آنها اختلاف می‌افتد.
 - * اگر پوست پیاز یا سیر را درون آتش بیاندازی، میان آن خانواده جدایی می‌افتد.
 - * اگر ته‌دیگ بخوری در عروسی‌ات باران می‌آید.
 - * اگر دو همسایه عروسی کردند نباید تا سه روز دو نفر عروس همدیگر را ببینند چون یکی از آنها بی‌اولاد می‌شود.
 - * چشم هرکه می‌پرد به خانه‌اش مهمان می‌آید.
 - * دمپایی اگر پشت به پشت بیفتد مسافرت می‌روی
 - * اگر دستت زخمی شد، بگذار در گوش گربه تا خوب شود.
 - * اگر موهای سر مرد دو تا پیچ داشته باشد، دو تا زن می‌گیرد.
 - * اگر در روز جمعه پروانه‌ای دور آدم بچرخد، روح یکی از نزدیکان است.
 - * اگر کف دست شخصی خارش بگیرد پول گیرش خواهد آمد.
 - * اگر شتر دم در بخوابد بدبختی می‌آورد.
 - * هرگاه باران زیاد می‌بارد باید اسم چهل نفر کچل نوشته روی درخت، آویزان کنید.^۱

۱ - ضرب المثلها و اعتقادات مشهور مازندرانی، اسماعیل خورشیدیان میانایی

ضرب المثل‌ها

ضرب المثل‌های شیرین و دلپذیری در بین مردم این سامان وجود دارد که در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

فارسی: قالب نکن کنی پلاره یاد کاندی.

ترجمه: با زبان فارسی سخن نگو که برنج کدو را فراموش می‌کنی. موقعی که کسی بخواهد زبان مازندرانی را کنار بگذارد و به زبان فارسی حرف بزند.

- فکر کاندی همیشه بهاره فکر زمستون نی.

ترجمه: فکر می‌کنی که همیشه بهار است در حالی که فکر زمستان نیستی.

موقعی که کسی مشغول خوشگذرانی و جوانی خود باشد و فکر پیری را نکند.

* قَلَنْدِرِ یَکْ شَبُونِی.

ترجمه: درویش یک شب هستی.

موقعی که کسی بخواهد به صورت آواره یک شب در یک جا و شب دیگر در جای دیگر باشد.

* نِه کِه لالایی بلدی شه ره چه خُو نُورِنه.

ترجمه: تو که لالایی می‌دانی چرا خودت را خواب نمی‌برد.

موقعی که کسی کاری را به دیگران یاد می‌دهد و خودش عمل نمی‌کند جوانی تا به پیری، پیری تا به کی.

موقعی که کسی همیشه دست به زشتی بزند.

* خدا خیر هِذاء توره نِذاء توره هِذاء خیر نِذاء.

ترجمه: خداوند خیر داد ولی کیسه نداد کیسه داد ولی خیر نداد.
موقعی که خداوند به کسی نعمت خوبی می‌دهد اما او نمی‌داند که چگونه از آن استفاده کند.^۱

هفته‌نامه

علاقه مردم به مسائل فرهنگی و اجتماعی روز را می‌توان در فزونی مجلات و هفته‌نامه‌های فرهنگی یافت.

در اینجا به ذکر هفته‌نامه‌های موجود در شهر «ساری» اشاره می‌کنیم:

۱- هفته‌نامه بشیر

۲- هفته‌نامه نهضت شمال

۳- هفته‌نامه کایر

۴- هفته‌نامه فجر خزر

مراکز علمی، فرهنگی

مراکز علمی، فرهنگی در بالا بردن سطح آگاهی‌های علمی حایز اهمیت است. در این راستا دولت جمهوری اسلامی اهتمام ورزید و بر مراکز تربیت نیروی انسانی و جذب دانشجویان در شهر ساری افزود. تعهد و تخصص دو عنصری است که به مدیران جامعه شایستگی و ارزش می‌بخشد. این دو برای جامعه‌ای که خواهان رشد و دستیابی به استقلال می‌باشد امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

در اینجا به بعضی از مراکز علمی، فرهنگی ساری اشاره می‌شود:
دانشگاه پیام نور

۱- ضرب‌المثلها و اعتقادات مشهور مازندرانی، اسماعیل خورشیدیان میانایی

دانشکده پزشکی
 دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه
 دانشکده کشاورزی
 آموزشکده فنی امام محمد باقر (ع)
 دانشکده بهداشت محیط
 آموزشکده پیراپزشکی
 دانشکده دارو سازی
 دانشگاه آزاد اسلامی
 مرکز آموزش عالی ضمن خدمت
 مرکز آموزش عالی مدیریتهای دولتی
 مرکز تربیت معلم پسرانه
 مراکز نامبرده هر یک توانسته در دوره‌های مختلف تحصیلی سهم
 خویش را در تربیت مدیران آینده جامعه اسلامی ادا نماید.

کتابخانه‌ها

کتاب دریچه‌ایست به گنجینه بی‌پایان علوم و معارف. آنکه از این گنج
 محروم باشد و با کتاب انسی ندارد چون فرد زندانی با جهان علم بیگانه
 است.
 روحیه کتاب‌خوانی در هر جامعه از سلامت فکری، روانی مردمش
 حکایت دارد. از این رو گسترش کتابخانه امری است ضروری که دلسوزی
 بیشتر مردم و مسئولان را طلب می‌کند.
 وجود دو کتابخانه کم وسعت و محدود برای شهر بزرگی چون ساری و
 مردمان دانش دوستش زیننده نیست.

در اینجا به معرفی اجمالی آن دو می‌پردازیم:

کتابخانه مرکزی دارای ۲۱۶۸۶ جلد کتاب چاپی و ۱۵۴ جلد کتاب خطی است. این کتابخانه که در مرکز شهر واقع است سالن مطالعه آن بسیار محدود بطوریکه در ساعات اولیه ظرفیت آن تکمیل می‌شود این کتابخانه در دو بخش خواهران و برادران فعالیت دارد.

کتابخانه عمومی دارای ۷۸۷۶ جلد کتاب چاپی است و کتاب خطی ندارد.

مراسم عزاداری

مطالعه رویدادهای صدر اسلام نشان می‌دهد که ستم ناروا به خاندان پاک رسول خدا(ص) و نیز زیر پا گذاشتن دستورهای قرآن در پاس داشتن حریم آنان پیوسته مورد نظر ستم پیشگان تاریخ بوده است. آن سیه بختان هر یک در دوران زندگی ننگین خود به گونه‌ای به فرزندان و نوادگان آخرین برگزیده خدا جفا نمودند و در این میان مادر امامت حضرت فاطمه سلام الله علیها و هریک از فرزندان آن حضرت به نوعی شربت شهادت نوشیدند و ارادتمندان و پاک دلان شیعه را در همیشه تاریخ عزادار نمودند.

در حقیقت ایمان قلبی و ارادت عملی شیعیان ساری جز عمل به گفتار نازنین پیامبر اسلام نبوده که توصیه به ارج نهادن به دو یادگار گرانبها یعنی قرآن و عترت، نمود گریه و عزای روحبخش بخصوص در ماه محرم سنت پسندیده و شیوه هر ساله شیعیان در این دیار است. آنان در واقع با بزرگداشت این مراسم به آرامش روح و روانشان دست یافته و درس آزادی و مبارزه می‌آموزند.

«در روز عاشورا در شهر ساری دستجات عزادار بر طبق برنامه منظم به تکایارفته، با نزدیک شدن به تکیه، جوانان همان محله با برداشتن قدمهای کوتاه و با خواندن اشعار مناسب به استقبال دسته میهمان آمده، بدین ترتیب خیر مقدم می‌گویند. با رسیدن پرچمهای عزا و دسته از طرف میزبان حداقل گوسفندی جلوی آن قربانی می‌شود. در تکایای قدیمی این شهر که قدمت بیشتری دارد سینه زنان زیادتری جمع شده، با شور و شکوه خاصی عزا داری می‌کنند.»^۱

مردم ساری فرصت عزاداری در این ایام را مغتنم شمرده، در رسیدن به نیازهای مادی و معنوی به دُعا و نیایش و نیز سنت نذر روی می‌آورند و پس از استجابت خواسته شان معمولاً در تکایا یا در منزل، به دیگر عزاداران طعام داده، به عزاداری می‌نشینند. در شب اربعین نیز در اکثر منازل غذا (کشمش پلو) درست می‌کنند و آن را به عنوان تبرک میان دوستان و آشنایان و افراد بی بضاعت تقسیم می‌کنند.^۲

در روز ۲۱ ماه رمضان رسم بر این است که مردم در مسجد محل جمع شده، پس از عزاداری برای شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام، مراسم شب احیا با گذاشتن قرآن به سرانجام می‌گردد.^۳

سفره نذر

سفره های نذری که صاحبان آن می‌گسترانند و بیشتر رایج است عبارت اند از:

۱- جزوه آداب مردم ساری، عشرت مقصود نژاد، با همکاری غلامرضا کبیری

۲- همان مدرک.

۳- همان مدرک

سفره حضرت ابوالفضل(س):

که با مراسم خاص برگزار می شود معمولاً علاوه بر وجود شمع بر سر سفره، ماست، حلوا، خرما، شیرینی، میوه، عدس پلو و آش هم درست کرده، روضه حضرت ابوالفضل خوانده می شود.

سفره حضرت امام زمان(عج):

بر روی این سفره چهارده قرص نان، چهارده سیر خرما، و چهارده شمع قرار می دهند.

سفره حضرت موسی بن جعفر(ع):

بر روی این سفره هفت سیر خرما و هفت عدد شمع گذاشته، در روز چهارشنبه تدارک می بینند.

سفره حضرت فاطمه(س):

در روز وفات حضرت فاطمه سلام الله علیها بر روی سفره ای که به نام آن حضرت گسترانیده می شود نان، خرما، میوه فصل و شمع قرار می دهند. و دیگر آنکه حضور غیر زنان بر این سفره ممنوع است.

سفره حضرت علی(ع):

بر سر این سفره نان، خرما، آش، شیر برنج و شمع می گذارند.

سفره حضرت رقیه(س):

بر روی سفره خرما، سبزیهای خوردنی و شمع، حلوا قرار می دهند.

سفره بی بی جور:

این سفره که متداولترین سفره هاست بر روی آن پنج کاسه آش شیر برنج و پنج قرص نان و پنج سیر خرما قرار داده، جنس مذکر و زن حامله که شاید جنین وی مذکر باشد حق شرکت ندارد.

سفره حضرت زین العابدین(ع)؛

بر سر این سفره چهار قرص نان، چهار سیر خرما و چهار عدد شمع می‌گذارند. از جمله نذرهایی که در ساری و حومه آن مرسوم است نذر حضرت فاطمه (س) یعنی پختن «سمنو» است در ابتدا گندم را خیس کرده تا سبز شود پس از کوبیدن شیرۀ گندم سبز شده آن را در ظرفی ریخته، مقداری آرد اضافه می‌کنند و ظرف را روی آتش قرار می‌دهند. در هنگام پختن آن دعا خوانده می‌شود و هرکس وارد آن خانه شود معمولاً شیرینی یا میوه به اندازه نیاز خود می‌برد.^۱

تاریخ وقایع

در استان مازندران حوادث تلخ و شیرینی به وقوع پیوسته که شرح و تاریخ وقوع هر کدام به قرار زیر است:^۲

تاریخ وقوع	شرح واقعه
۲۵۰ ق	قیام اهالی طبرستان علیه کارگزاران خلیفه به رهبری داعی کبیر
۶۱۷ ق	حمله مغول به مازندران در تعقیب خوارزمشاهیان و خرابی و قتل و غارت
۷۹۴ ق	حمله امیر تیمور به مازندران و انقراض سلسله سادات مرعشی و قتل و غارت
۹۰۵ ق	جنگهای شاه اسماعیل صفوی با سلاطین محلی مازندران
۱۰۰۲-۱۰۰۷ ق	جنگ شاه عباس صفوی با سلاطین محلی مازندران و از بین بردن ملوک الطوائفی
۱۱۹۸ ق	بروز مرض طاعون و تلف شدن حدود نصف مردم مازندران
۱۲۲۳ ق	زمین لرزه شدید و خرابی در بیشتر شهرهای منطقه و تلفات سنگین

۱- آداب مردم ساری

۲- مازندران، عباس شایان ج ۱، چاپ دوم، ص ۲۴۲

- ۱۲۶۵ ق فتنه باب و جنگ قلعه شیخ طبرسی
- ۱۲۶۹ ق بروز مرض وبا و تلف شدن عده زیادی از مردم
- ۱۳۰۸ ق بروز مرض وبا و تلف شدن عده زیادی از مردم
- ۱۳۰۹ ق بروز مرض وبا و تلف شدن عده زیادی از مردم
- ۱۳۱۴ هـ. ش. کشف حجاب رضا شاه و مبارزات قهرمانانه مردم
- ۱۳۲۰ ق بروز مرض وبا و تلف شدن عده زیادی از مردم
- ۱۳۳۵ ق بروز مرض وبا و تلف شدن عده زیادی از مردم
- ۱۳۵۷ هـ. ش. اوج مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی

فهرست منابع مهم

- مازندران و استرآباد رابینو:
ترجمه وحید مازندرانی شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی
- تاریخ مازندران:
اسماعیل مهجوری، چاپ اول
- خشنونت و فرهنگ (اسناد کشف حجاب):
مدیریت پژوهش و انتشارات و آموزش، چاپ اول
- حماسه‌های اسلامی ملت:
ولی‌الله فوزی
- تاریخ تشیع در ایران:
رسول جعفریان، مرکز چاپ انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- تاریخ جنبش سربداران:
عبدالرفیع حقیقت، انتشارات علمی، چاپ دوم
- فرهنگ فرق اسلامی:
دکتر محمد جواد مشکور، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی

- نهضت جنگل: فتح الله كشاورز، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول
- سرزمین و مردم ایران: عبدالحسین سعیدیان، چاپ پنجم
لغت نامه دهخدا: حرف سین
- علویان طبرستان:
دکتر ابوالفتح حکیمیان، انتشارات آقابیک، چاپ اول
- تاریخ دو هزار ساله ساری:
حسین اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی قائم شهر، چاپ اول
- سیمای ایران: ایرج افشار، چاپ اول
- ضرب المثلها و اعتقادات مشهور مازندرانی:
اسماعیل خورشیدیان میانایی، ناشر مؤلف، چاپ اول
- مازندران: عباس شایان، ج ۱ و ۲، چاپ دوم
- فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور:
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد ۲۸
- دانشمندان و رجال مازندران: اسماعیل مهجوری
- ریحانة الادب:
محمد علی مدرس تبریزی، کتابفروشی خیام، چاپ سوم
- الذریعه:
- گنجینه دانشمندان:
حاج شیخ محمد رازی، ناشر مؤلف، چاپ اول
- تاریخنامه طبری: به تصحیح محمدروشن
- جغرافیای تاریخی شهرها:
عبدالحسین نهجیری، انتشارات مدرسه، چاپ اول
- قیام مرعشیان: یعقوب آژند

- النقص: قزوینی رازینی
- دودمان علوی مازندران: رابینو
- مفاخر اسلام: علی دوانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم
- علمای بزرگ شیعه: م- جرفادقانی، انتشارات معارف اسلامی، چاپ اول
- فتنه باب: اعتضاد السلطنه، انتشارات بابک، چاپ دوم



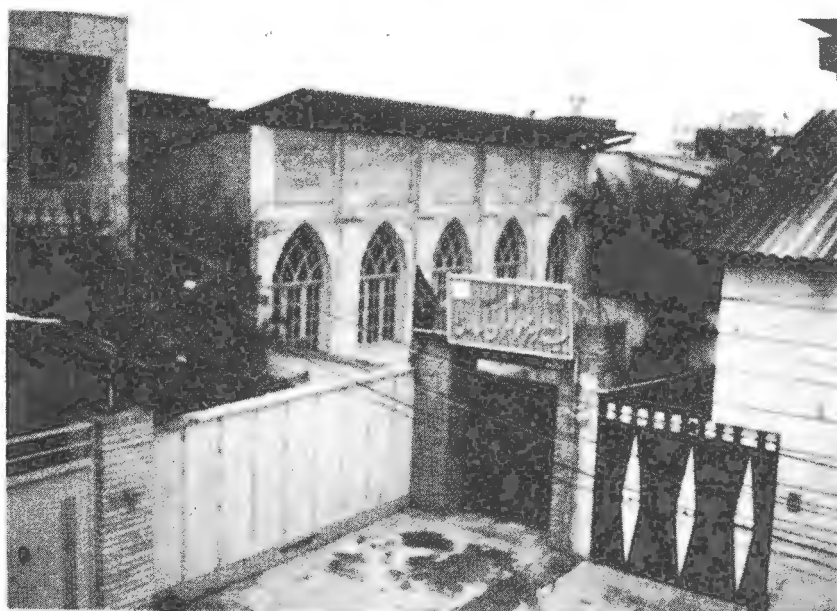
دانشکده علوم پزشکی ساری



کتابخانه تخصصی ادبیات



مدرسه علمیه مصطفی خان ساری



مدرسه علمیه عصمتیه ساری

